

پیشنهاد های حزب توده ایران برای نجات انقلاب ایران از بحران

بسیاری از زحمتکشان انقلابی و مسلمانان مبارز در مراجعه به اعضا و هواداران حزب توده ایران، از اوضاع بحرانی کنونی و رکود و عقب نشینی انقلاب ایران نگرانی کرده و می پرسند که چه باید کرد؟ ما در زیر به این پرسش پاسخ می دهیم و پیشنهاد های حزب توده ایران را در مورد راه بیرون رفتن از بحران در میان می گذاریم. و از رفقای ما می خواهیم که به اطلاع کارگزاران زحمتکشان و مسلمانان مبارز برسانند.

خطر از کجاست؟

هیچ کس در جامعه انقلابی ما در این باره که انقلاب دچار بحران شده و خطرات جدی آن را تهدید می کند، تردید ندارد. ضد انقلابیون آشکارا خوشحالند و بهم وعده می دهند و انقلابیون نگران و در فکر چاره آیت الله منتظری به مسئولین دولتی توصیه می کنند که بجای شعار دادن برای مردم کار کنید. اما مسئولین دولتی می گویند که دست دولت بسته است، "بلا تکلیفی وجود دارد." و یا بنا به گفته آقای موسوی نخست وزیر: بقیه در صفحه ۹

راه توده

نشریه ماهنامه حزب توده ایران در طرح از کشور

جمعه ۹ اردیبهشت ۱۳۲۲ مطابق ۱۴ رجب
۱۴۰۳ و ۲۹ آوریل ۱۹۸۳
سال اول، شماره ۳۹
پهنا: ۴۰ سانتی متر

شهر دزفول و پیل دختر بار دیگر شاهد خونریزی است

یک انقلاب هنگامی پیروز می شود که اصلاحات بنیادی بدست آورد آن باشد. اصلاحات نیم بند و ظاهری نشانه آنست که انقلاب رو بشکست میزند

شیوه تخته شلای و نان برای کامل انان

وزارت بازرگانی اطلاع داد که کالاها لغو میشود. جرایم

راستگرایان برای منصرف کردن خلق از اهداف اولیه انقلاب به شیوه های متوسل میشوند. از جمله ادعا میکنند که "دولت تاجر خوبی نیست" و سپس با انواع حیل تبلیغ این دروغ بزرگ می پردازند و تمام امکانات خود را برای اثبات این مدعا بکار میگیرند. انسان با احتکار و گرانفروشی ما محتاج روزانه مردم پسه کمک محاصره اقتصادی امپریالیست می روند. تا با ایجاد کبود مصنوعی و گرانی مردم را مستاصل کنند. دستهای دیگر ضد انقلاب هم البته بی کار نی مانند. از یکسویا تقلیل ۵۰ درصد حقوق کارمندان - و از سوی دیگر با ثابت نگاه داشتن حداقل دستمزد کارگران در سطح سه سال پیش که با ادعای کهنه و مزورانه "بالا رفتن حقوق موجب بالا رفتن قیمتها است" انجام میشود. راستگرایان و ضد انقلاب دست در دست هم میگویند باز هم بیشتر به مردم القاء کنند که گویا "دولت تاجر خوبی نیست" و خلق را نسبت به انقلاب بدبین و بدبین تر سازند. بقیه در صفحه ۶

بزرگ نشان داد که در راه طولانی کردن...
عراق علیه ایران، آمریکا و...
مردم...
فروردین بدستی...
تلاش می کند...
هر چند...
و قوای...
بقیه در صفحه ۶

بیانیه رفقای ما را آزاد کنید

چند باره توقیف رفیق نورالدین کیانوری...
و جمعی از...
انتشار یافت. دستگاه تبلیغاتی دولتی به بازداشت شدگان اتهامات بی پایه ای را نسبت میدهند. این اتهامات پوچ همواره از جانب کسانی که تحمل فعالیت مبارزین سر سخت و مقاوم علیه امپریالیسم و ارتجاع را نداشتند وارد شده است.

برافراشته باد درفش اول ماه مه، روز همبستگی کارگران و زحمتکشان سراسر جهان!

احزاب برادر و نیروهای ضد امپریالیستی از حزب توده ایران دفاع می کنند

آنهایی که بدین منظور ۱۱ پایگاه هوایی را ایجاد کرده و گسترش دادند مانند حزب کمونیست ترکیه بارها نقشه های استفاده از ارتش ترکیه برای انجام حمله ای علیه ایران را قانع ساخته است.

بالاخره از آن دستگاره ارتجاعی نظامی که از طرف کسانی که از این کارزار ضد کمونیستی راضی بودند حمایت میشود همه بازمانده های ضد انقلابی شاه و ساواک اجازه داده است تا در بخشهای شرقی کشور ما پایگاههای خود را ایجاد کنند. این عمل آنها را به انجام عملیاتی برای ضربه زدن به انقلاب ایران قادر میسازد. کمونیستهای ترکیه میخواهند باور کنیم که نیروهایی که میل دارند انقلاب ایران دستگیری ضد امپریالیستی خود را ادامه دهد واقع بینان از خود بخبر خواهند داد. حزب کمونیست ترکیه که دارای پیوند های برادرانه با حزب توده ایران است، با تمام نیروی خود در جهت خنثی ساختن حملات علیه انقلاب ایران از خاک ترکیه خواهد کوشید.

هیستکی با حزب توده ایران و مردم این کشور وظیفه خنثی تمام نیروهای میهنپرست کشور است. حزب کمونیست ترکیه خواهان آزادی رفیق کیانوری و تمام رهبران و اعضای آن است.

کمیته مرکزی حزب کمونیست ترکیه

۲۲ فوریه ۱۹۸۳

رفیق نورالدین کیانوری و رفقای حزبی او را آزاد کنید

بقیه از صفحه ۳

به جنگ کثیف رژیم دیکتاتوری صدام علیه جمهوری اسلامی ایران اعتراض کرده، همیاری خود را پس میدارد. از رهبران جمهوری اسلامی ایران آزادی رفیق نورالدین کیانوری و یاران حزبی او که زندگی خود را در خدمت به خلق و مردم زحمتکش ایران گذاشتند خواستار است. ما همچنین میخواهیم که به تعقیب های غیر قانونی علیه افراد خاتمه داد شود و کار و فعالیت این حزب آزاد گذاشته شود و حقوق دمکراتیک و آزادی خلقهای ایران مردم زحمتکش برسمیت شناخته شود. جمهوری اسلامی فقط از این راه میتواند به مستضعفین و زحمتکشان خدمت کرده و در برابر هجوم امپریالیسم جهانی خصوصاً امپریالیسم آمریکا که طراح مداخلات بر هیاهو علیه کمونیسم و اتحاد جماهیر شوروی است پایان دهد و علیه فعالیت عناصر ضد انقلابی که در صفوف نیروهای انقلابی شکاف انداخته و پهنه اختلافات دامن میزنند پایان دهد و بازگشت براه انقلابی را ممکن سازد.

کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق
فوریه ۱۹۸۳

دولت ریگان برنامه جدیدی را در ژانویه گذشته آغاز کرده است که هدف از آن استفاده از نیروهای ۲۰۰ هزار نفری مداخله سریع در عملیات نظامی در بیش از ۱۹ کشور خاور نزدیک از جمله ایران است. امپریالیسم آمریکا دشمن اصلی انقلاب ایران است. این بازداشتها در دورانی که عملیات خرابکارانه افزایش یافته اند به انقلاب ایران صدمه وارد میسازد. حزب توده ایران سهم ارزنده ای در انقلاب ایران از زمان آغازی آن ادا کرده و مبارزه شجاعانه و بی دریغی در راه منافع خلق انجام داده است. حزب توده ایران در جلب هیستکی نیروهای جهانی صلح و ترقی با انقلاب ایران نقش بزرگی ایفا کرده است. هر حمله ای علیه این حزب با عظمت طبقه کارگر زحمتکشان ایران، مستقیماً انقلاب را نشانه گرفته است.

کمونیستها و نیروهای میهنپرست ترکیه بخوبی میدانند که این اتهامات ناروا و شورویستیزانه "جاسوسی" که به حزب توده ایران نسبت داده شد همه چه معناست. هدف از این دروغها در کشور ما پیوسته توجیه حمله امپریالیسم و ارتجاع، خصوصاً هم زدن مناسبات میان ترکیه و اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی بوده است. بازمانده های ساواک و عمال "سیا" که عملیات خود را گسترش داده اند، میخواهند ایران را از دوستان قابل اطمینانی از طریق این اتهامات جدا و آژانمفرد سازند. بازداشت رفیق نورالدین کیانوری و دیگر انقلابیون ایرانی نگرانی دوستان انقلاب ایران در کشور ما را برانگیخته است.

اما در کشور ما چه کسی از این بازداشتها حمایت میکند؟ اینها طبیعتاً دوستان انقلاب ایران نیستند. روزنامه های ارتجاعی و طرفدار امپریالیسم کماز جنایت دستگاره ارتجاعی نظامی علیه خلق ما پشتیبانی میکنند. این بازداشتها را بازگشت انقلاب مینهند و شادی خود را نیز پنهان نمیکند.

هر کسی میدانند که دستگاره نظامی در ترکیه سیپت ریپاکار انقادی در قبال ایران دنبال میکند. این دستگاره آرزوی بازگشت زوزی را دارد که ترکیه همرا شاه در ستوه نیروی قابل توجه امپریالیسم آمریکا علیه خلقهای کشورهای اسلامی بشمار میرفت.

کوشش برای متحد ساختن ترکیه مستقیم و غیر مستقیم با اسرائیل و رژیمهای مرتجع عرب در بلوک نظامی این نظر را کاملاً تصدیق میکند.

تمام این تلاشها در ارتباط با هدف آمریکابرای کسب مواضع از دست رفته در ایران است. محافلی کماز بازداشت رهبران حزب توده ایران پشتیبانی میکنند با آنهایی که با استفاده از نیروهای مداخله سریع از خاک کشور ما موافقت کردند مانند فرقی ندارند.

نیروهای راست افراطی و ارتجاعی در حاکمیت ایران با دستگیری تعدادی از رهبران حزب توده ایران از جمله نورالدین کیانوری دبیر اول کمیته مرکزی حزب، مرتکب جرم بزرگی علیه طبقه کارگر و مردم زحمتکش ایران شدند.

این عمل محافل حاکمه ایران حاکی از خارج کردن نیروهای سالم انقلاب ایران توسط نیروهای یخچال ارتجاعی که ظاهراً خود را در حاکمیت کشور جاساز کرده اند و بدینال تعلیق انجام اصلاحات اقتصادی اجتماعی بسوز زحمتکشان در آغاز این ماه انجام میگردد. چنین تضییقات بیرحمتهای در حاکمیت میهن پرستانی چون رهبران و اعضا حزب توده ایران، حزبی که سالها علیه سلطنت ضد خلقی و طرفدار امپریالیسم با روح نمونه وار ایشارگرانه و با ادای سهم بزرگی در پیروزی انقلاب مبارزه کرده است، نمیتواند نگرانی و خشم دوستان مردم ایران را بر نیانگیزد.

کمیته مرکزی حزب کمونیست پاکستان بطور تزلزل ناپذیری بر این عقیده است که تضییقات آغاز شده علیه پیشاهنگ طبقه کارگر و زحمتکشان ایران که با اتخاذ یک سری اقدامات قهرقرائی و موج جدید شوروی ستیزی همراه گشته است تنها در خدمت منافع امپریالیسم و عمال آن در ایران است که به اشکال مختلف در حال تهیه ساختن انقلاب ایران از ماهیت خلقی و دمکراتیک و ضد امپریالیستی آن هستند.

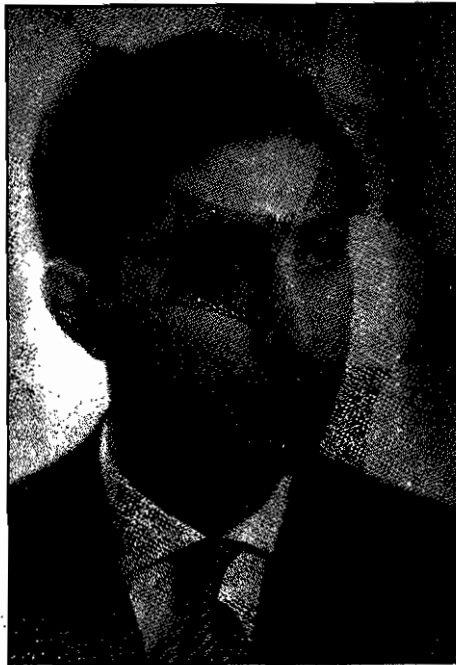
حزب کمونیست پاکستان ضمن محکوم ساختن بازداشت رفیق نورالدین کیانوری و دیگر رهبران حزب توده ایران توسط مسئولین حکومتی ایران، خواستار آزادی فوری آنهاست. حزب کمونیست پاکستان هیستکی کامل خود را با اعضای مبارز حزب توده ایران در مبارزه علیه ارتجاع و نیروهای طرفدار امپریالیسم در ایران که خواهان بازگرداندن ایران به اردوگاه امپریالیسم و محروم ساختن مردم ایران از ثمرات واقعی مبارزات انقلابی خلقی، ضد سلطنتی و ضد امپریالیستی خود هستند، اعلام میکند.

کمیته مرکزی حزب کمونیست پاکستان
۴ مارس ۱۹۸۳

نورالدین کیانوری، دبیر اول کمیته مرکزی و یکی دیگر از رهبران حزب برادر، حزب توده ایران در تهران بازداشت شد. ما در رهبران حزب توده ایران با اتهامات دروغین و معمول مواجه هستیم. این یورش علیه حزب توده ایران آغاز توطئه جدید آمریکا به منظور منحرف ساختن انقلاب ایران از دستگیری ضد امپریالیستی و بالاخره بر اندازی آن انجام گرفته است.

درد بر کمیته مرکزی حزب توده ایران

رفیق منوچهر بهزادی: چهل سال رزم آگاهانه در راه استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی



رفیق منوچهر بهزادی در پانزدهم آذر ماه ۱۳۰۶ در شهر تهران زاده شده است. او در آذر ماه سال ۱۳۲۴، یعنی هنگامی که ۱۸ ساله بسود، پس از چند سال هواداری عضو سازمان جوانان توده ایران شد و بدنبال ورود به دانشکده حقوق دانشگاه تهران، در بهمن ماه ۱۳۲۵ به عضویت حزب پذیرفته گردید. او تمام مدارج حزبی را گام به گام پیموده و همیشه آنجائی بوده که حزب نیاز داشته و به او مسئولیتی واگذار میکرده است. او نخستین مسئولیت تشکیلاتی خود را از دبیر حوزه شدن در بهمن ۱۳۲۶ آغاز کرد و سپس مسئولیت‌های مهمتری برعهده وی گذاشته شد و چون همیشه وظایفش را با برخوردی دقیق و آگاهانه و پیوسته بهترین وجه انجام میداد، پیوسته انجام مسئولیتها سنگین تری از او خواسته میشد. عضویت شعبه تبلیغات و تعلیمات ایالتی تهران نخستین وظیفه جدی خارج از حوزه برای او بود. سپس رفیق بهزادی را بعنوان عضو کمیته محلی ۳ تهران، عضو شعبه تعلیمات کل، عضو شعبه مطبوعات کل، عضو کمیته دانشگاه، نماینده تشکیلات کل در فارس، عضو کمیته محلی آبادان و عضو کمیته ایالتی خوزستان می بینیم. درست در این زمان است که مبارزه دشوار برای ملی شدن نفت در جریان می باشد و رفیق بهزادی برای تجهیز کارگران نفت علیه شرکت سابق نفت انگلیس با موفقیت می کوشد.

پیش از کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد، رفیق بهزادی دیگر مسئول دبیرخانه کمیته ایالتی تهران و مسئول بخش تهران است. حدود یکسال پس از کودتا، عمل دستگاه امنیتی شاه بر اثر شکنجه کردن افراد گوناگون به گوشه‌ای از مسئولیت‌های رفیق

بهزادی می برد ماند و برای دستگیر کردن او به خانه او هجوم می برند ولی هر دو بار با دست خالی باز میگردند. بعلت خطرناک شدن وضع در اطراف رفیق بهزادی، حزب تصمیم می گیرد او را از زیر ضربه خارج کند. از اواسط سال ۱۳۳۳، زندگی در پاریس رفیق بهزادی آغاز می گردد. او که فارغ التحصیل دانشکده حقوق تهران بود، در خارج از کشور نیز ضمن انجام تمام و کمال وظایف حزبی خود موفق میشود دکترای خود را در رشته اقتصاد سیاسی با موفقیت بگیرد.

از این پس تمام معلومات علمی و تجربیات وسیع او در کارهای روزنامه نگاری، تشکیلاتی، تعلیماتی و تبلیغاتی در خدمت حزب و توده‌های زحمتکش ایران، کارگران، دهقانان و همه زحمتکشان شهرو روستا قرار میگیرد.

رفیق بهزادی بخصوص در مبارزه با انواع انحرافات در درون جنبش کارگری و کمونیستی سهم ویژه‌ای داشت و مقالات روشن، استدلال محکم و ساده او را برای تأمین اتحاد نیروهای انقلابی ایران هیچ رزمنده‌ای نمی تواند فراموش کند.

اوج خدمات ارزنده رفیق بهزادی را که دیگر عضو هیئت سیاسی و دبیر کمیته مرکزی حزب توده ایران است، در خدمت به حزب و طبقه کارگر ایران، در صفحات "نامه مردم" ارگان مرکزی حزب می توان دید، که پس از انقلاب بهمن ۵۷، در تهران به مسئولیت و آغاز به انتشار کرد و در مدتی کسبه روزنامه امکان انتشار داشت، برغم انواع فشارهای پنهان و آشکار توانست شش عمده انقلابی حزب را در روزنامه دنبال کند. "نامه مردم" زیر مسئولیت رفیق بهزادی از بهترین روزنامه‌های کشور بود و خدمات عظیمی به انقلاب کرد.

می دوم در هر خیابان کوجه و پس کوجه‌های تنگ سرد رگ بانگ بر میدارم از آغاز صبح پیش رس تا شام آی مردم! نامه "مردم" آن که می خندد برهم آن که هر، وای کند پرواز می گیرد به سویم آن که چندین کوی و بوزن می دود در جست و جویم می زاید خستگی های من از تن می دهد حق مرا با آن نگاه مهریانش بیشتر از پول خردی کو گذارد در کف من.

حزب در برابر تهاجم رژیم دیکتاتور منشانه صدام علیه ایران و برای تضمین وحدت عمل نیروهای انقلابی و خلقهای ایران در یک جبهه متحد خلقی، جهت حفظ و تحکیم انقلاب و شکوفائی آن بسود توده‌های زحمتکش بیباک و با وجود تمامی مشکلات، موانع، تعقیب‌ها، پرووکاسیون‌ها از جانب عناصر راستگرا و عوامل نفوذی ساواک که علیه هر گونه دموکراسی، آزادی، حقوق توده‌ها و تکامل انقلاب بیفهم مردم زحمتکش بودند مبارزه کرد و به این سیاست وفادار ماند.

این اقدامات توأم با فشار علیه حزب توده ایران میخواند دشمنان مردم ایران خصوصاً امپریالیسم آمریکا را شادمان کند. توقیف نورالدین کیانوری و رفقای حزبی او و هیاهوی تبلیغاتی علیه حزب توده ایران و علیه کمونیسم در مراجع رسمی و غیر رسمی و رسانه‌های گروهی هجومی است علیه حقوق دموکراتیک خلق و ضریب است علیه یکی از نیروهای مهم انقلاب ایران و خدمتی است به مرتجعین و امپریالیستها.

حزب کمونیست عراق که در تأیید انقلاب ایران بقیه در صفحه ۲

رفیق نورالدین کیانوری و رفقای حزبی او را آزاد کنید

بقیه از صفحه ۱

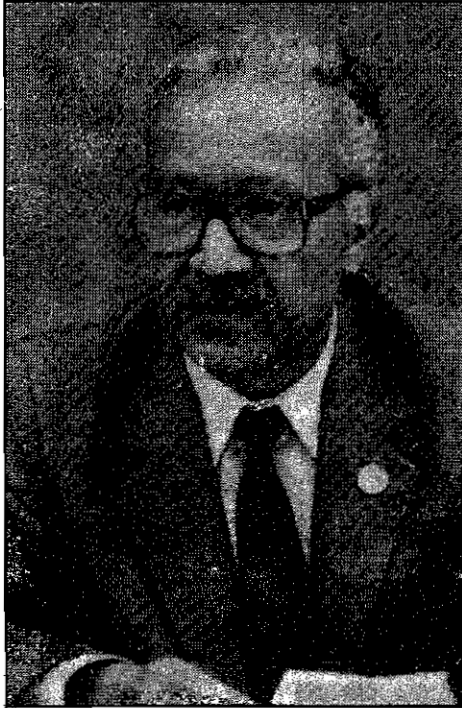
ایران است و از آغاز تاسیس خود در اوائل سالها ۱۹۴۰ که پیش از چهل سال از آن تاریخ میگذرد علیه امپریالیسم، استبداد رژیم سلطنتی و پسراری دموکراسی و تحکیم استقلال سیاسی و اقتصادی ایران پیوسته مبارزه میکند. این حزب در صفوف مقدم مبارزه علیه شرکت نفت و ملی کردن صنعت نفت در سالهای ۱۹۵۰ قرار داشت. پس از کودتای زاهدی عامل امپریالیسم آمریکا در سال ۱۹۵۳، حزب پیش از ۲۵ سال با خشم و تنفر شدید کودتاچیان ارتجاعی و اقدامات خفقان آور رژیم شاه و جنایتکاران ساواک روبرو شد که منجر به تلفات و زندانی شدن و تبعید عده کثیری گردید.

در مرحله قبل از انقلاب فوریه سال ۱۹۷۹ حزب با فعالیت شدید خود در تهیه توده‌ها و ادامه مبارزه فعالانه شرکت داشت و در تحریک طبقه کارگر خصوصاً کارگران قهرمان صنایع نفت، در مبارزه جهت سقوط شاه و رژیم خونخوارش نقش بسزائی داشت.

حزب توده ایران در اعلام و خواست مبارزه مسلحانه علیه تحقیقات شدید و ارتجاعی رژیم شاه و عمالش، از قبیل شاپور بختیار و ژنرالهای ارتجاعی ارتش، در مبارزه انقلابی مسلحانه جهت تغییرات قطعی به نفع انقلاب در روزهای قبل از انقلاب پیروزمند فوریه سال ۱۹۷۹ نقش مهمی داشت.

پس از پیروزی انقلاب در همان روزهای اول حزب به وظیفه خود که حفاظت از دستاوردهای عظیم خلقهای ایران و معرفی راستگرایان و لیبرال‌ها این عاملین امپریالیسم که انقلاب را به گمراهی میکشانند و بار دیگر خواستار بازگشت آن بدامان امپریالیسم بودند پرداخت. او هم چنین سازمانهای دیگر را از اقدامات و فعالیتهای ماجراجویانه که به ضرر انقلاب بود بر حذر میداشت. حزب با درک مسئولیت و شجاعت اقدامات نامحییح مسئولین مربوطه را مورد انتقاد قرار میداد و با نیروی هر چه تمامتر از اعمال و اقدامات صحیح حاکمیت پشتیبانی میکرد.

سخنرانی رفیق علی خاوری عضو هیئت سیاسی و دبیر کمیته مرکزی حزب توده ایران در کنفرانس علمی کارل مارکس و زمان ما - مبارزه در راه صلح و پیشرفت اجتماعی (یازدهم تا شانزدهم آوریل ۱۹۸۳ - جمهوری دموکراتیک آلمان)



نوامبر ۱۹۱۰، از شماره شانزدهم بیعد، تا چند شماره دیگر، سلسله مقالاتی مستقیماً برای معرفی مارکس و مارکسیسم نشر می‌دهد. این سلسله مقالات، برخلاف مقالهٔ مهیوم چند دهه پیش، با اطلاع روشن تری از مارکسیسم نگاشته شده و لحن آن نسبت به آموزش انقلابی لحن تأیید آمیز است.

شایان ذکر است، که درست در این زمان که روزنامه "ایران نو" آموزش مارکس را برای خوانندگان ایرانی خود معرفی می‌کرد، در واقع این بینش انقلابی در میان قشری از روشنفکران و عناصر ماقبل پرولتاری زحمتکشان ایران، رخنه یافته و سازمانهای خود را بوجود آورده و در مسیر انقلاب بورژوازی ایران و پیروزی آن بر شاه قاجار، نقش نظرگیری را ایفا نموده است. سو سیال دمرکسی انقلابی در روسیه از طریق تفکرات اثرات خود را در اندیشه و شیوه‌های مبارزه در انقلاب ایران باقی گذاشت. انقلاب ایران بنوعی پژواک انقلاب ۱۹۰۵ روسیه، در یکی از کشورهای آسیای شمالی بدل شد و ایران از این جهت در آسیا نقش پیشاهنگ انقلابهای ملی و دمکراتیک را ایفا نمود. گروههای سوسیال دمکرات بصورت پنهانی در شهرهای بزرگ کشورما (مانند تهران، رشت، تبریز، مشهد و غیره) به فعالیت دست زدند. لنین، خواه در جریان انقلاب ایران و خواه پس از آن، توجه فراوانی بدان معطوف داشت و قطعنامه خاص صادره از جانب کنفرانس دوازدهم بلشویکها در شهر پراگ در سال ۱۹۱۲، برای جنبش مردم ایران ارزش بزرگی قائل شده است.

نه تنها انقلاب ۱۹۰۵ روسیه در کشور ما تأثیر داشت و برای نخستین بار راه فرخنده اندیشه‌های مارکسیستی را به کشور ما همسوار ساخت، بلکه بویژه انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر انقلابی که مارکسیست کبیر دوران ما لنین آنرا رهبری مینمود، اثرات عمیقی در گسترش اندیشه و عمل انقلابی در کشورما باقی گذاشت. مارکسیسم در کشور ما ریشه دوانده بود و با وجود تعقیب و سرکوب دائمی پلیس رژیم استبدادی ملیشار-یستی پهلوی، سازمانهای مخفی مارکسیستی یکی پس از دیگری تشکیل میشد.

در سال ۱۹۳۶، گروهی از اعضای یسک سازمان مارکسیستی، که به "پنجاه و سه نفر" معروف شدند، به چنگ پلیس افتادند و دکتر ارانی، انقلابی مبرز و مارکسیست برجسته، در زندان شهید شد.

دوران نوین گسترش مارکسیسم - لنینیسم در تئوری و در عمل، با تشکیل حزب توده، ایران در سالهای جنگ دوم جهانی تحقق یافت. حزب توده، ایران ادامه دهنده راه سازمانهای مارکسیستی پیش از خود بود. در این دوران،

رفیق محترم هونکر
رفقا و دوستان محترم!

قبل از هر چیز بنام کمیته مرکزی حزب توده ایران، از حزب سوسیالیست متحد آلمان و دبیر کل آن - رفیق اریش هونکر بخاطر ابتکار پر ارزش تشکیل و برگزاری این کنفرانس علمی صمیمانه تشکر میکنم.

ما، معتقدیم که تحلیل عمیق و همه جانبه رفیق هونکر از اوضاع سیاسی جهان نه تنها انعکاس روشن و دقیق نگرانی و امیدهای همه انسانهای شریف جهان است بلکه خود نمونه درخشان قدرت دینامیک و همیشه زنده ایده‌ها و جهان بینی مارکسیستی - لنینیستی است.

رفقا و دوستان محترم!

صدهست و پنج سال از روز تولد و صد سال از تاریخ درگذشت یکی از بزرگترین نوای تاریخ، تیتان اندیشه و عمل، پیشوا و پرولتاریای جهان کارل مارکس می‌گذرد.

امروز پس از گذشت بیش از صد سال از پیدایش آموزش انقلابی مارکسیسم که کارل مارکس و همسرزم کبیرش فریدریش انگلس، بنیادگذاران آن هستند، تأثیر این آموزش در ساخت و پرداخت سرنوشت بشریت و در آغاز کردن عصری که آنرا مارکس و انگلس "عصر اختیار انسان" نامید مانده است. همیشه نیرومندتر و زرف تر است. آن آموزش، که دهها و صدها بار مخالفانش آنرا "کهنه" و "رد شده" اعلام داشتند، امروز بیش از همیشه عقول و قلوب بشریت را تصرف می‌کند.

آشنائی ایرانیان با آموزش مارکس، در سده نوزدهم، در ایام حیات مارکس و چند سالی پس از کمن پاریس انجام گرفت. نخستین مقاله‌ای که در باره جنبش سوسیالیستی در مطبوعات ایران منتشر گردید، مقاله ایست که در شماره ۱۲، روزنامه‌های بنام "ایران"، در هفتم مارس سال ۱۸۸۰ نشر یافته است.

روشن است که در آن ایام، نویسنده مقاله تصور روشنی از آموزش مارکس و تفاوت بنیادین آن با آموزشهای خرده بورژوازی سوسیالیستی تخیلی و آنارشیتی و نیهیلیستی نداشته و حتی سوسیالیسم علمی را با برخی مکاتب قرون وسطائی ایران، مانند "مزدکسیم" و "اسماعیلیسم" همانند گرفته است. ولی بهر جهت اهمیت مقاله نامبرده در آنست، که مردم ایران بوسیله آن گویا برای اولین بار، از جنبش سوسیالیستی و کموس نیستی در اروپا آگاه میشوند، زیرا تا آنوقت، تنها جمعیت های مخفی فراماسونی بودند، که اندیشه‌های لیبرالی بورژوازی را در جامعه ایران اشاعه میدادند. در دوران نخستین انقلاب بورژوازی ایران (۱۹۰۶-۱۹۱۱).

روزنامه دیگری، بنام "ایران نو" در نهم

اندیشه انقلابی مارکسیستی در قشرهایی از زحمتکشان، بویژه در میان طبقه کارگر نوجوان خاسته صنعتی کشورما، نفوذ نمود. این بیانگر رجه اطلاع مبارزان انقلابی کشورما، که در حزب توده، ایران متشکل شده بودند، از تئوری مارکسیسم - لنینیسم و تاریخ جنبش انقلابی جهان و ایران و انطباق این آموزش بر پراتیک انقلابی، در مقایسه با ادوار پیشین، بهرآنستب زرف تر و دقیق تر بود.

این خود از قانونمندیهای تاریخی است، که آموزش انقلابی مارکسیسم، که دارای سرشتی پویا، انتقادی و انقلابی است، پس از زایش خود، تکامل را در زرفا و در پهنای ملی می‌کند، مسائل مشخص را طرح و حل مینماید و بر تناقضات و نارسائی های خویش در برخورد با عمل انقلابی در گستره های مختلف و در برخورد با تکامل معرفت انسانی، گام به گام غلبه می‌کند و دمدم به سبک بینش جامعتر، همه سویه تر و دقیق تر و واقع بین تر بدل میشود. چنین قدرت رشد و تحول و تکاملی در سرشت این آموزش است، زیرا به درک درست دیالکتیکی تاریخ، اعم از تاریخ طبیعت و تاریخ انسان، تکیه دارد.

در سالهای پنجاه میلادی و در دوران گسترش مجدد جنبش ضد امپریالیستی برای ملی کردن صنایع نفت ایران، یارد دیگر بحالت پیدایش شرایط اعتلا نهضت، حزب توده، ایران توانست صفوف خود را فشرده تر سازد و در این جنبش نقش قابل ملاحظه‌ای ایفا نماید. ولی حزب در بقیه در صفحه ۱۵

شیوه تخته شلاق و نان برای مسخ کامل انقلاب

بقیه از صفحه ۱

آنها برای پرثمرتر شدن حاصل این عمل خائنه و ضد انقلابی خود، راه هر نوع تغییرات بنیادی را مسدود میسازند.

آنها با بکار گرفتن تمام اهرمهای قدرتی که بکمک "دوستان نادان" و عناصر حفظ شده ساواک در مراکز دولتی و نهادهای انقلابی، به کمک عناصر نفوذی "حجّیه" که در این مدت سازمان خود را تکمیل و ترمیم هم کرده است، تمام راه های مصلحتی و اجرای قوانین انقلابی و بنیادی را می بندند و از این طریق هم ضد انقلابیون و راستگرایان امید خلق را به تغییرات بنیادی قطع میکنند.

حاصل این سیاست و نتایج ملموس و واقعی و عملی آن برای خلق اینست که گویا "انقلاب واقعا هم قادر نیست بدردی از دردهای خلق را درمان کند و باری از دوش آن بردارد. حتی برعکس؛ انقلاب برای خلق درد گرانی روز افزون، بسی خانمانی زیاده تر و کمبودهای بیشتری را نیز به ارمغان آورده است. در نتیجه راستگرایان اثبات می کنند که انقلاب از کارگران پیوسته فداکاری و ایثار در جبهه و پشت جبهه طلبیده، ولی در عوض نه فقط حقی به آنان نداده، بلکه حقوقی را هم که طبقه کارگر در نیروچند دهساله خود از سرمایه دارها ستانده بود همانند حق بیمه و حد اقل دستمزد و غیره به نام موازین شرعی" از آنان باز پس گرفته است؛ "اثبات" میکنند که انقلاب نه فقط به روستائی زحمتکش زمین نداده بلکه فرزندی را هم برای دفاع از میهن از او گرفته است. ی از اینروست که زنان محروم روستائی با تن خود جلو اتومبیل کسانی را که برای باز پس گرفتن زمینهای تقسیم شده از دهقانان و دادن آن به بسز رنگ زمینداران به ده فرستاده شد مانند سد میکنند و فریاد میزنند "فرزندان ما را که در جبهه برای دفاع از میهن شهید شده اند به ما پس بدهید تا ما زمینها را پس بدهیم".

نا راضی تراضی مرحله اول این سیاست جنا سیتکارانه بود که در حین اجرای آن به کمک این سیاست راستگرایان و ضد انقلاب مواضع خود را در حاکمیت تحکیم کردند. اکنون آنها سیاست جدیدی را آغاز کرده اند که آنرا به طور کلاسیک در تمام کشورهایی نیز که انقلاب در آنجا بشکست کشاند، شده، بکار برده اند.

کشاندن توده انقلابی به اوست

این سیاست عبارتست از باز کردن در انبارها و پیر کردن مغازه های خالی کرده از اجناس اجناس احتکار شده را به بازار می آورند و با ارز دولتی که به قیمت فروش نفت به کشورهای امپریالیستی به دست میاید به وارد کردن بنجل های این کشورها به بازارهای داخلی دست میزنند.

یک بهبود کاذب "آرامبری" ایجاد میکنند و استدلال می نمایند که "مقدار کالا که بالا رفت و قیمت آن پائین خواهد آمد" از این طریق باز هم این دلالان امپریالیسم به تبلیغ سیاست جنایتکارانه

امپریالیسم و "اثبات" اینکه "دولت تاجر خویش نیست" می پردازند.

اگر تاکنون به کمک احتکار و گرانفروشی خود به "اثبات" عدم توانائی انقلاب برای تأمین نیازهای جامعه دست میزدند، اکنون با "وفور" کاذب و پر کردن مغازه ها با بنجلهای کشورهای امپریالیستی "عدم لیاقت" انقلاب برای بهبود زندگی مردم را هم "اثبات" میکنند و چنین جلوه میدهند که گویا فقط راستگرایان قادرند بهبودی در زندگی مردم ایجاد کنند و کالاها را مورد نیاز آنها را یا "آزاد کردن تجارت و معامله" تأمین کنند!

دقیقا چنین سیاست جنایتکارانه ای راستگرایان ملعون نیز پس از بریدن از منافع خلقهای عرب و پاره کردن قرار داد دوستی بین مصر و اتحاد شوروی و اخراج کارشناسان شوروی اعمال کرد. از فرد ای روزی که سادات کارشناسان شوروی را با یک مهلت ۱۲ ساعته از مصر اخراج کرد روزنامه های غربی نوشتند که مغازه های خالی مصر صحر از کالا شده است، "آزادی تجارت" برقرار شده و "مصر نجات یافته است".

اما اکنون که در مصر ارتجاع حاکم گشته است اکنون که خائنین به خلق توانسته اند به خیال خود خلق مصر را موقتا هم شده ساکت کنند، آنها را از کوشش برای تدویم انقلاب باز دارند و به راست بکشاند؛ تمام مشکلات اقتصادی خلق بارها بیشتر و شدید تر باز گشته است و بر دوش زحمتکشان سنگینی می کند و غارت سرمایه داران صد چندان شده است.

در میهن ما هم اگر راستگرایان و ضد انقلاب قادر شوند این سیاست را اعمال کنند، فقط به منظور منصرف کردن خلق از پیگیری برای تحقق اهداف انقلاب است. فقط برای تحکیم و به راست کشاندن خلق استقا در مقابل تاراج و به باد دادن دستاوردهای انقلاب بی تفاوت نظاره کنند!

کل انقلاب در خطر است

مسئله ای که در جامعه ما وجود دارد، مسئله ای که انقلاب ما با آن روبرو شده است و حل انقلاب آنرا میطلبد، فقط مسئله گرانی نیست، که با حل آن و رفع آن، انقلاب نجات یابد!

تجدیدی نیست که راستگرایان و ضد انقلاب خارجی و داخلی آماد مانند برای مدتی هم که شده محاصره اقتصادی را قطع کنند و همه جور و همه رنگ کالا با "قیمت مناسب" در اختیار ما قرار دهند و بازار و مغازه های ما را پر کنند!

اما فراموش نکنیم، که آنها اینکار را نه برای نجات انقلاب بلکه برای تحکیم بیشتر مواضع خود انجام خواهند داد. آنها آن را درست برای این منظور و با این هدف انجام میدهند که انقلاب را به شکست بکشاند. آنها این "بزرگوازی" را میخی میدانند که میخواهند بر تابوتی که برای انقلاب تدارک دید ماند بکوبند.

به مرگ گرفته اند تا مردم به تب راضی شوند

مبارزه با گرانفروشی و مبارزه با احتکار از مبارزه برای اجرای انقلابی اصلاحات انقلابی و بنیادی جدا نیست.

مبارزه با گرانفروشی و احتکار بدون تقسیم اراضی به صورت انقلابی بدون قانون کار انقلابی بدون بازرگانی خارجی دولتی و کنترل توضیح داخلی و تثبیت قیمتها سیاست انقلابی نیست.

برعکس تنها مبارزه پیروزمند با گرانفروشی بدون تحقق اصلاحات بنیادی و بدون حفظ دستاوردهای انقلاب و بدون اجرای روح مزدی قانون اساسی اعمال نص صریح آن همان سیاستی است که راستگرایان و ضد انقلاب خواهان آنند. آنها می خواهند انقلاب را "ذبح شرعی" کنند و برای آن آماده هستند که قیمت موقتی هم بپردازند! آنها خصوصا به این "مرگ" گرفتارند تا خلق به "تب" راضی شود.

نباید به این چاله دشمن کنده افتاد. نباید گذاشت راستگرایان و ضد انقلابیه دست نیروهای نامردمی خلق را به "تب" قانع سازند و او را به راست بکشاند! تجربه دو سال اخیر نشان داده است که راستگرایان و ضد انقلاب موفق شده اند به استفاده از نقاط ضعف رهبری "زمان" را به نفع خود به کار گیرند و مواضع خود را مستحکم سازند هیچ دلیل و علّاتی وجود ندارد که اگر بنده انقلابی به دست آنان زده نشود، این روند پایدار یابد.

آنها میخواهند بدست رهبران نا آگاه انقلاب به دست مسلمانان مبارز و در زمان حاکمیت خود آنها و تمام دستاوردهای انقلاب را باز بگیرند، انقلاب را به شکست بکشاند، اعتبار و حیثیت نمایندگان آنرا بر باد دهند و جان خلق را به لب برسانند و از انقلاب "سه سه باره نه بار" پشیمان سازند!

هشدار که در مقابل خلق و تاریخ مسئولیت به این راه بروید! تاریخ شما را نخواهد بخشید!

شهر ذفول و پل دختر بار دیگر

بقیه از صفحه ۱
که چون صدام منابع مالی ندارد، به تحلیل می برد.

هر موشکی که رژیم صدام بسوی شهرهای ما نشانه می رود، هر بمبی که بر سر مردم بیگناه ما می ریزد، بدستور آمریکا، با کمک آمریکا و برای تأمین منافع آمریکا و عوامل داخلی اش، و در رأس همه، بزرگ زمینداران و کلان سرمایه داران، ترور یستهای اقتصادی، بازاریهای بزرگ و حامیان دور و مقدس مآبشان است. این "خنجرچی" که آمریکا در پهنوی انقلاب فرو برده، هر روز پیکر انقلاب را بی رفق تر، و سرمایه داران چپا و لگس را چاقی تر و فریبه تر می کند.

"راه توده" شهادت جمعی از مردم بیگناه را بر مردم ذفول و پل دختر و سایبر هموطنان عزیز تسلیم می گوید و خشم مقدسشان علیه آمریکای جنایتکار را گرامی می دارد.

يك خبرسخت نگران کننده

زن و بچه و حتی همسایگان مسئولین حزبسی و عدای رهگذر را هم با خود بردند و سپس از بازجویی های طولانی عدهٔ محدودی را آزاد کردند ولی اکثریت آنها را در بازداشت نگاه داشتند.

این واقعیت که از یکسو بیش از ۵۰ نفر را در هجوم ۱۷ بهمن بازداشت کردند و تعدادشان را حدود ۳۰ نفر گفته اند و از سوی دیگر از اعلام اسامی آنان به دلایلی "امنیتی" خودداری می کنند و حتی برای دستگیر کردن مجدد زندانیان خویش به خانه های مختلف مراجعه می نمایند. می تواند موجب نگرانی بسیار عمیق گردد.

آنچه که تا بحال پیرامون "موازین اسلامی" در برخورد با زندانیان گفته شده و مطالبی که در پیام هشت ماهه ای امام آمده با شیوه کار دستگاه های امنیتی رژیم که معلوم نیست کسی حاکم بر آنهاست تعارض آشکار دارد. این شیوه کار البته نا آشنا نیست. ساواک شاه هم با آموزشی که از سی-آی-ای و موساد گرفته بسنود اسامی قربانیان خود را اعلام نمی کرد و چه بسا چند روز پس از دستگیری سندی هم دربارهٔ آزادی آنان با مضای خودشان تهیه می کرد تا سپس دستش برای شکنجه کردن آزادانه دستگیر شدگان، تا حد مرگ باز باشد.

این ۵۰ بازداشتی اخیر به نزدیک به ۳۰ نفر دیگری که ماههاست به گناه هواداری از حزب توده ایران در زندانها بسر میبرند اضافه میشود. بسیاری از هواداران حزب توده ایران در زندانهای بی نام و نشان نگاهداری میشوند، از حق ملاقات محرومند و برخی از آنها طی نزدیک به دو سال است که در زندان بسر بردند و حتی یکبار ملاقات نداشته اند و محل زندان آنها نامعلوم است و خبرهای گسیخته غیر مستقیمی که میرسد حاکی از آنست که بقنان هوا خوری عادی نیز داده نمیشود.

مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران بارها گفته اند که "موازین اسلامی" با اینگونه طرز رفتار با زندانیان منافات دارد. اما در عمل مشاهده میشود که عدای بنام "اسلام همان روش های ساواک، سی-آی-ای و موساد را دارند پیاده می کنند و صدای هیچکس هم در نمی آید که بکارگرفتن این شیوه ها یا قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و آنچه که شب و روز درباره رفتار اسلامی گفته میشود مغایر است.

ما به اینگونه برخورد های غیر انسانی بویژه با ایرانیان دگراندیش ولی مدافع شعارهایی اولیه انقلاب: استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی بشدت اعتراض می کنیم.

ما خواهان اعلام هرچه زودتر اسامی بازداشت شدگان توده ای هستیم تا سپس زندانیان در برابر هرگونه ناپدید شدن مشکوک زندانیان پاسخگو باشند و نتوانند مدعی شوند که از دستگیر شدنشان اطلاعی ندارند.

ما اطلاع دهید کجا و در چه وضعی هستند و سرنوشتشان چیست دوباره برای دستگیری کرد نشان آمده اید، ما موران امنیتی از دستگیری آنان اظهار بی اطلاعی می کنند!

عملیات وسیع پلیس برای دستگیری رهبران حزب توده ایران از حدود ساعت سه بامداد یکشنبه ۱۷ بهمن آغاز شد، تا ظهر یکشنبه بیش از ۷۰ نفر را بازداشت کردند. آنان

اطلاع یافته ایم که ما موران امنیتی حاکمیت جمهوری اسلامی ایران، نزد يك به سه ماه پس از دستگیری رفقای رهبری حزب توده ایران، از نو به خانه های اقوام آنان مراجعه میکنند و سراغشان را میگردانند، و هنگامیکه با این اعتراض روبرو میشوند که شما آنانرا روز یکشنبه ۱۰۷ بهمن بازداشت کرد ماید و اکنون بجای اینکه به

برسگوی اول ماه مه

می آید!

از فراز خیزابه های خون

سی تشویش بادو مباد جان-

از درون گردباد جنگ و جنون.

می آید!

پیمان کرده

پیوند زده

پیکار کرده و پیروزی آورده

که خود

پیک و پیامد

شایسته نامید!

می گذرید

برفرشی از لاله

از دل دالان آفرین و هلهله

برمی آید و

می ایستد

برسگوی افتخار اول ماه مه

تا شاهان

از پیشگاهتان

بگذرند و سرمایه داران.

ای خداوارگان

ای کارگران که دست شما راست

تر دستی آفرینندگی:

تراش آهن و سنگ

ساز سقف و ستون

بُرش به هنگام براندام زندگی

و زهانیدن حیات از برهنگی!

نیاتان نعلبند بود

شما چلنگر.

فرزندانتان موشک خواهند ساخت

آی چه والا که شماید!

اسی رهوار کردن

قلی گشودن

و آسمان را پویدن.

این بس

که بازوان بگشاید و

جغرافیای جهان

در آغوشتان باشد!

می شناختم

شمایان را به بوی شما

و نه بوی شبنم عرق

که بر مفرغ اندامتان می نشست

نه به بوی روغن چرخ و دستگاه

و نه حتی به بوی نفت

که پیشاپیش شما می دوید

می شناختم

به عطر کار

که از هزار ابزار می تراود.

و اینک می بینمتان

نه در سایه پرچم های سرختان

نه در صف بی پایانتان

که، در گریز دشمن و هراس آن چشمان

که ارز یابی تان می کنند

با دقت دلانگان

و می اندیشم که چه خواهد شد اگر

متحد شوید!

اگر متحد شوید

کارگران ایران!

سیاوش کسرائی

اردیبهشت ۱۳۵۸

تصویب نامه های دوتروویست اقتصادی میلیاردی ضربه ای بزرگ بر اعتبار مجلس شورای اسلامی

در روزهای چهارشنبه ۲۴ و پنجشنبه ۲۵ فروردین میلیونها ایرانی بهت زده و متعجب در تلویزیون دیدند، در رادیو شنیدند و در روزنامهها خواندند که مجلس شورای اسلامی، که به قول امام باید سنگر دفاع از منافع زحمتکشان باشد، چگونه اعتبارنامه افرادی را تصویب کرد که بگواهی اسناد و مدارک، بدون هیچ شسکو و شبهه از عاملان اصلی تروریسم اقتصادی و از گردانندگان بازار بودند، بازاری که در طول چهار سال اخیر خون مردم را در شیشه کرده است.

آقایان سید تقی خاموشی و علی اکبر پور-استاد، که هر دو از طرف حزب جمهوری اسلامی نامزد انتخابات میاندوهره ای مجلس از تهران بودند، هر دو از گردانندگان اصلی "کمیته صنفی" و همه کاره نظام توزیع کالای کشورند. آقای خاموشی که بگفته "آقای فواد کریمی"، با ظاهر مذهبی "کسب وجهه کرده است، انحصار توزیع کالاها را مهم و پرسودی نظیر آهن، شیشه لوازم خانگی

مقام ریاست کمیته صنفی به یک گروه از تجار وابسته بخود داده است. عوامل و ایادی وی در همه جا به احتکار و گرانفروشی مشهورند و فی المثل یکی از منمویسین او تنها برای یک فقره گرانفروشی ۱/۷ میلیون تومان جریمه شده است. آقای خاموشی بگواهی اسناد و مدارک، پول هزاران تن آهن تولید شده و وارداتی کشور را بچیب تشکیل دهندگان "تعاونی اسلامی آهن" که همان تجار بزرگند ریخته است. آقای خاموشی در مورد تمامی کالاها مهم "حق امضا" داشته و از این "حق" بنعام و کمال برای اعمال نفوذ و قدرت استفاده کرده است. وی علیرغم ظاهر اسلام پناهان، همانگونه که آقای فواد کریمی با اسناد و مدارک نشان داد اجازه فروش مشروبات الکلی را هم برای هتل های معینی صادر کرده است. آقای خاموشی از این نیز فراتر رفته و گفته آقای فواد کریمی "به تهدید و ارباب مردم و توثیف و فروش اموال آنان و بازداشت های غیرقانونی" دست زده است.

"کمیته صنفی" آقای خاموشی "دولت مستقلی" بوده و هرچه میخواست می کرده است. آقای فواد کریمی در بخشی از سخنان خود می گوید: به حکم دادستان (هما یونشهر) شخصی بنام محمد علی فیض در رابطه با تقلب در سند سازی فروش ماشین و ایجاد بازار سیاه وسایل نقلیه دستگیر شده به دادسرای صنفی تحویل داده می شود.

"پس از دستگیری فرد نامبرده کوششها و تلاشهای فراوانی از طرف آقای خاموشی و ایادی ایشان برای آزادی فرد نامبرده انجام می گردد. اما دادسرا و دادگاه ماجرا را دنبال می کنند. بالاخره حدود ساعت چهار و نیم او را به شهر ریور ماه ۵۹ برخی از اعضای کمیته صنفی بهمراه عدلهای از پاسداران کمیته بازار دادگاه راجا -

صره کرده و بداخل دادسرا و دادگاه حمله کرده و مامورین و محافظین دادگاه را خلع سلاح کرده و بازپرسها و حاکم شرع و همه را بیرون ریختند.

فرد نامبرده را نیز از یازداشتگاه به اسم اینکه ایشان حالشان خوب نیست باید به بیمارستان منتقل شوند وی را برداشته و بالاخره متواری می نمایند.

بالاخره ایادی آقای خاموشی در دادگاه را بستند و پشت در دادگاه نوشتند "دادگاه صنفی تا اطلاع ثانوی تعطیل" و با یکدیگر می گفتند ما آخوند ها را از این دادگاه بیرون انداختیم.

براستی با مشاهده اسناد و مدارکی که آقایان فواد کریمی و سید کاظم اکرمی در مجلس پیرامون تخلفات خاموشی و پورااستاد ارائه دادند موبرتن هر بیننده و شنونده و خواننده راست می شود. این چه سری است که آقای خاموشی می تواند با استفاده از کمیته بازار سلحخانه علیه دادگاه امور صنفی دخالت کند، رئیس و کارکنان آنرا وادار به استعفا نماید و دادگاه را به تعطیل سه ماهه بکشد؟ این چه نظام قضایی است که آقای پورااستاد را گنه بر اثر ۱۹۳ مورد تخلف خود به ۶۱ روز زندان محکوم شده است هنوز بزندان ترفقه عفو می کند؟! و این چه مجلسی است که آقای پوراستاد علیرغم داشتن سابقه کیفری، بدان راه می یابد؟! براستی این هشدار آقای فواد کریمی بجا نیست که می گوید:

"اکنون با وجود این تخلفات اگر اعتبار نامه آقای خاموشی بدلیل سردت در گرانفروشی، احتکار، انحصار و غیره بوسیله مجلس رد نگردد، دیگر چه کسی می تواند در این کشور با گرانفروشی و احتکار و تروریسم اقتصادی مبارزه کند. از آغاز انقلاب تا کنون کانال توزیع کالا و سرخ بازار در دست آقایان بوده است و هیچکس بدون اجازه آقایان نمی توانسته است در توزیع دخالت کند و سهمیه دریافت کند. اکنون که بر اساس عملکرد نادرست ایشان امام و امت به فریاد آمده اند و همه بدنبال ریشه های این تباهی ها می باشند چگونه نمایندگان محترم اجازه می دهند این ریشه در مجلس شورای اسلامی کاشته شود و در این صورت مجلس جـواب تضلمات این ملت ایثارگر را چه خواهد داد. وجود اینگونه عوامل در مجلس شورای اسلامی جز تقویت و حملیت از انحصارات تجاری و گرانفروشان و احتکار چیان و باندی که امروز حاکم بر سیستم توزیع کشور است چه خواهند کرد."

"آفکار عمومی ملت و خانواده هایی که خون عزیزانشان را نثار برپایی این مجلس و جمهوری اسلامی نمود هاند و افکار عمومی جهان، کسانی را که محرک اینچنین نادرستی هایی شده اند نمی پذیرند. مجلس قبلا در مورد پذیرش لیبزالها دچار اشتباه شده بود و تا این لحظه نمایندگان

محترم هر جا که به میان مردم رفته اند در رابطه با حضور این چنین افرادی در مجلس مورد ستودال و سرزنش قرار میگیرند و جواب صحیحی ندارند که چرا مجلس شورای اسلامی با اعتبارنامه اینگونه افراد موافقت نموده است و چرا اینگونه افراد در مجلس حضور دارند..."

آری، رای مثبت به اعتبارنامه خاموشی هسا؛ بقول آقای فواد کریمی "ابراز رضایت از این اعمال و شرکت در جرایمی است که ایشان مرتکب شده اند." جرایمی از قبیل تهدید، ارباب، بازداشت های غیر قانونی و ...

بیهوده نیست که آقای هاشمی رفسنجانی که متاسفانه حیثیت خود را در گرو دفاع از خاموشی گذاشت، صریحا اشاره کرد:

"(آقای فواد کریمی) خودشان را بخطر می اندازند برای اینکه افکار و نظراتشان را هم بگویند."

بنظر می رسد که این دیگر در جمهوری اسلامی ایران "مد" شده است که هر کس صدایش را در دفاع از حقوق زحمتکشان بلند کند، بزندان و "تعزیر" تهدیدش کنند، در جایی آقای معتد رضایی مخالفین قانون کبیل خود را به فرستادن به "اوین" تهدید می کند، در جای دیگر امثال خاموشی ها بخود جرات میدهند آقای فواد کریمی را به چنان "حجرات" می تهدید کنند که "برای سایرین عبرت شود." آنها در صحن مجلس و از تریبون مجلس!

تصویب اعتبارنامه های خاموشی و پورااستاد، آنها با اکثریت ۱۰۷ و ۱۱۹ رای موافق، اگر بگفته "آقای فواد کریمی" فاجعه ای بسرای جمهوری اسلامی نباشد "بطور قطع لطمه ای جدی به اعتبار مجلس شورای اسلامی است. باید همصدا با آقای فواد کریمی از نمایندگان مجلس پرسید که چگونه "اجازه می دهند این ریشه در مجلس شورای اسلامی کاشته شود؟" با راه یافتن نظایر پورااستاد و خاموشی به مجلس، کسانی به مجلس باز می شود که "رای های آنچنانی" علیه منافع کارگران و زحمتکشان و بسود ادامه غارتگری سرمایه داران و ملاکین بزرگ خواهند داد.

مردم ایران می پرسند که "چه کسی بنام دین از میلیاردرها دفاع می کند؟" مردم ایران می پرسند که این چه دستگاه قضایی است که بسادگی حکم عفو تروریستهای اقتصادی را صادر می کنند، و در عین حال از موضوعی سیاسی مانند دستگیری رهبران حزب توده، ایران، ماجرای "قضایی" می سازد و علل در تدارک مقدمات سرکوب حزب توده، ایران، فعالان شرکت می کند؟ آیا براستی سیاست دفاع از مستضعفان در دستگاههای حکومتی تعیین کننده است؟

پیشنهاد های حزب توده ایران برای نجات انقلاب ایران از بحران

بقیه از صفحه ۱

کنند و سه سه بار به نهار غلط کنند و دیگر اسم انقلاب و تحول را هم نیاورند. مفهوم برنامه های رادیکال های ضد انقلابی و فعالیت های باندهای سلطنتی در خارج از کشور چیزی جز این نیست.

در خود ایران هم جناح راست حاکمیت، راه چاره را بازگشت به زمان شاه می داند. وقتی از وزیر بازرگانی درباره گرانی و نا سامانی توزیع انتقاد می کنند، می گوید:

"تجارت و توزیع به حالت عادی بر خواهد گشت. نظام سنتی توزیع قانونی خواهد شد. . . کشتی هادر بنا در صیقل استه اند."

(اطلاعات ۱۸ فروردین ۶۲)

وقتی امام فرمان می دهد که قوانین دادگستری را اسلامی کنید، شورای نگهبان پس از بررسی به این نتیجه می رسد که تمام قوانین زمان شاه اسلامی بود و قابل اجراء است الا این که در آن زمان زنان را سنگسار نمی کردند، مالک هم نمی توانست به راحتی حکم تخلیه بگیرد. این دو نقص در جمهوری اسلامی بر طرف شد (اطلاعات دوشنبه ۱۸ فروردین) گفته می شود که در نظام مالکیت نفوذ آل - سرمایه داری زمان شاه، چیزی خلاف شرع وجود ندارد. خلاف شرع قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است که خواستار تعدیل این نظام غیر انسانی و غاصبانه است و برای این که چرخ اقتصاد مملکت به حرکت درآید باید که غارتگرانی که از همه مردم سلب مالکیت کرده اند تا خودشان مالک شوند، تضمین داد و طبیعی است که پس دادن زمین ها و کارخانه ها تضمین کافی نیست. باید زمام حکومت را هم به آن ها داد تا مطمئن و دلگرم شوند.

چنین است پیشنهاد نمایندگان ملاکین و سرمایه داران بزرگو و استگان به آمریکا و عملکرد نمایندگان آن ها در حاکمیت. طبیعی است که توده مردم زحمت کشی که در راه برانداختن نظام شاهنشاهی آن همه جانبازی کرده و اینک برای پیشبرد انقلاب این همه اینار می کنند، با رکود و بازگشت موافق نیستند و می دانند که اگر زمان شاه برگردد، اوضاع "عادی" نخواهد شد. آن درندگان تیر خورده اگر برگردند چنان بلایی به سر مردم خواهند آورد که روی چنگیز و محمدرضا را سفید کنند.

راه حل دشواری ها عقب گرد نیست. پیشرفت است. انقلاب را باید از رکود بیرون آورد، نظام باقی مانده از دوران شاه را در تمام عرصه ها باید درهم شکست و نظامی انقلابی پدید آورد.

به نظر ما برای تجهیز همه نیروهای مردمی و ضد امپریالیستی و برای دفاع موفقیت آمیز از انقلاب باید اصول زیر را پایه کار مشترک قرار داد:

- ۱ - قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اجرا شود.
 - ۲ - با شانتاژهای ضد انقلابی با صراحت مقابله شود.
 - ۳ - سازمان ها و نهادهای توده ای و مردمی تقویت شود.
 - ۴ - همکاری و اتحاد عمل همه نیروهای انقلابی تامین شود.
 - ۵ - کوشش شود که جنگ تجاوزکارانه صدام علیه ایران، به سود پیروزی انقلاب پایان پذیرد.
 - ۶ - توده مردم با این اصول روشن در صحنه باشند.
- درباره هر یک از اصول بالا توضیح کوتاهی می دهیم:

۱ - اجرای قانون اساسی

چنان که گفتیم بزرگترین خطری که امروز وجود دارد اینست که راستگرایان مدافع سرمایه و مالکین و عوامل پنهان امپریالیسم در حاکمیت، قانون اساسی را غیر شرعی اعلام کرده و به جای آن اصول دیگری را بنای کار قرار داده اند که در هیچ مرجع قانونی تصویب نشده و هر کس به میل خود تعبیر و تفسیری از آن ها دارد.

دشمنان قانون اساسی ظاهرا خود را در سنگر شرع و اسلام قرار داده اند، در حالی که مخالفت با قانون اساسی اولاً حرام است و ثانیاً بقیه در صفحه ۱۰

"آن وقت که قانون اساسی نوشته شد تجارت خارجی چیز مشخصی بود که باید ملی یا دولتی شود. . . اما امروز چیز مبهمی است. و این ابهام اذیت کننده است! این طور نیست که دولت بنشیند و تصمیم بگیرد و مسئله حل شود. نه! چنین چیزی نیست. مسئله گسترده تر است."

نظیر این جملات را از بسیاری از مسئولین می توان شنید و می توان به چشم دید که قانون اساسی مشخص و روشن است، اما امروز ابهام پیدا شده و قدرت تصمیم گیری از ارگان های جمهوری اسلامی ایران سلب شده است.

طبعی است که فقط در مورد بازرگانی خارجی نیست که قانون اساسی روشن است ولی در عمل ابهام وجود دارد، کل نظام اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جمهوری زیر علامت سؤال رفته و بر سر انتخاب راه آینده، بر سر اجرا یا عدم اجرای قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نبرد سخت طبقاتی در گرفته است. ملاکین و سرمایه داران بزرگ، عمال امپریالیسم، سازمان های پنهان خرابکاری چون جبهه و فراماسونری و شبکه "سپا" متحدینش قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را معطل گذاشته و به این ترتیب قانونیت جمهوری را مورد تردید قرار داده اند: اگر قانون اساسی مشروع نیست حکومتی را که بر اساس این قانون بر سر کار است چگونه می توان مشروع دانست؟

حتی در زمان دولت موقت و بنی صدر خطری به این شدت نبود. آن ها جرات نمی کردند به طر، علنی و آشکار قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را غیر قانونی و غیر قابل اجرا اعلام کنند و نمی توانستند این چنین آشکارا با هر تغییر و تحول انقلابی مخالفت کرده و با پررویی باور نگرینی از نظام اقتصادی - اجتماعی مانده از دوران شاه دفاع کنند.

خطر بسیار بسیار جدی است و در عین حال بسیار خوب استوار شده است. در زمان دولت موقت و بنی صدر توطئه آمریکا با نسیبه علنی بود. کودتاها و ترورها و تحریکاتی هم که امپریالیسم در این چهار ساله تدارک دید علنی شد. اما درست از زمانی که توطئه های علنی آمریکا شکست خورده و عمال شناخته شده اش از حکومت رانده شده اند، درست از زمانی که حکومت در دست کسانی قرار گرفته که به مسلمانی معروفند و هیچ مقام رسمی آن ها را عامل دشمن معرفی نمی کند - درست از این زمان هجوم آشکار به انقلاب و قانون اساسی آغاز شده است.

امروز توطئه رنگ غلیظ مذهبی و فقهی دارد، در درون نهادهای دولتی جا خوش کرده، در تعبیر خاص خود از شریعت اسلام چنان انلحه های به دست آورده است که حتی پیروان سرشناس خط امام هم در برابر آن مزعوب شده اند. توطئه گران از شعارهای دوپهلوی خط امامی ها که به نعل و به میخ می زدند، چماقی ساخته و بر سر انقلاب می کوبند. پس از قریب چهار سال که از تصویب قانون اساسی گذشته تازه می گویند بیایند ببینیم کجای نظام اقتصادی پهلوی ها و قاجارها خلاف فقه بود که قصد تغییر آن را دارید؟!

خطر در این جا است! خطر از اینست که با این وضع جمهوری اسلامی ایران یا در هواسست معلوم نیست بر کدام اصول استوار است و به کدام بخش اجتماع خدمت می کند: به ملاکین و سرمایه داران بزرگ - مانند حکومت شاه فهد و ضیاء الحق و همه حکومت های ۱۴۰۰ ساله پس از پیامبر اسلام و علی بن ابیطالب - و یا به توده مردم که انقلاب کرده اند. و آیا اصولا خود انقلاب اجتماعی امری شرعی است و یا خلاف شرع؟!

چه باید کرد؟

این پرسش هم اکنون در خانه و کاشانه هر ایرانی مطرح است. عوامل ضد انقلاب و محافل راستگرای جاده صاف کن، راه چاره را در بازگشت به گذشته می دانند. و از مردم می خواهند که از انقلاب توبه

امام خمینی: مردمی که قانون اساسی را داده اند ملتزم اند که قانون اساسی اجرا شود

پیشنهاد های حزب توده ایران برای نجات انقلاب ایران از بحران

بقیه از صفحه ۹

عین دشمنی با فقه و شرع و اسلام است، زیرا این قانون را فقها و خیرگان تهیه کرده اند و مردم و امام آن را تأیید نموده اند و خود کسانی هم که امروز آن را خلاف شرع می دانند دیروز منافقانه به آن رای داده بودند.

قانون اساسی بزرگترین دست آورد انقلاب ما و در عین حال بزرگترین دست آورد فقه است. برکسی پوشیده نیست که طی ۱۴۰۰ سال پس از پیامبر اسلام و علی ابن ابیطالب، عده ای روحانی نمای خادم شاهان و ملاکین بزرگ اصول فقهی را در خدمت برده داری و فتوایسبم گذاشتند. فقیه نمایانی پیدا شدند که یاسای چنگیزی را با اصول فقه تطبیق دادند و برای برده کردن اسیران و سلب مالکیت از توده دهقان و شت ممالک به نام شاهان و فتوادلها قباله نوشتند. نظام فتوودالی قاجار و نظام وابسته شاهنشاهی پهلوی را تأیید کردند و هم امروز نیز فقهای فراوانی هستند که نظام فهد و حسین اردنی و ... را کاملاً شرعی و فقهی می دانند و تأیید می کنند. در عوض فقهایی هم هستند که طی قرن ها کوشیده اند تا جانب مردمی فقه را گسترش دهند.

مجلس خیرگان بررسی کننده قانون اساسی بالاترین مرجع فقهای اسلامی ایران بود و قانون اساسی سندی است که هم خواست های انقلابی مردم را منعکس می کند و هم نظر مشترک فقها و علمای اعلام را درباره اصول فقهی بیان می کند. نفی این سند، نفی توافق نظر، نفی عقیده مردم و امام است.

ما معتقدیم که امروز قانون اساسی مرز انقلاب و ضدانقلاب است و هر کس قانون اساسی را نفی کند ضدانقلابی و خلافکاری است که علیه جمهوری اسلامی برخاسته است.

مردم باید این محکرا به دست گیرند و هر مدعی را با آن بسنجند. مردم باید از مقامات جمهوری و از روحانیون و از جمله ائمه جمعه بخواهند که در نماز جمعه اصول قانون اساسی و به ویژه اصول مربوط به نظام اقتصادی - اجتماعی جمهوری را تشریح کنند. مردم باید طلب کنند که نظام اقتصادی - اجتماعی غارتگرانه و ضد مردمی که از شاه به ارث رسیده موافق قانون اساسی متحول شود. بدون تحول اجتماعی - اقتصادی انقلاب وجود نخواهد داشت.

۲ - مقابله با شانناز های ضد انقلابی

یکی از مهم ترین عواملی که جلوی پیشرفت انقلاب را می گیرد ارتش ننگینی است که از رژیم شاه مانده و متاسفانه جمهوری اسلامی ایران هم آن را پذیرفته است. رضاشاه و محمد رضا شاه - با هادایت جاسوسان انگلیس و آمریکا و خدمه انحصارات نفتی - داشتن عقاید انقلابی را جرم نامیدند حزب توده ایران را غیر قانونی کردند و هر کس خواستار تغییر و تحولی شد و یا حتی را مطالبه کرد، او را به نام توده های مجرم شناخته، به زندان کشیدند.

امروز همین ارتش ننگین به عنوان یک ارزش والای اسلامی و حتی فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران حفظ می شود و طبیعی است که فقط ضدانقلاب از آن بهره می برد و نه انقلاب. شعار "نه شرقی، نه غربی" که به معنای تأمین استقلال ملی ممکن بود مفهومی پیدا کند، در پیوند با آن ارتش ننگین به عامل سکون، به چماق ضدانقلاب برای جلوگیری از تحول انقلابی و وسیله ای برای حفظ پایه های نظام شاهنشاهی بدل شده است. هر تغییری که در نظام شاهنشاهی بدهند "شرقی و مدموم است، پس آن چه بوده - که لایذ غربی هم نبوده (۱) - باید حفظ شود. هر انسان زحمتگشی که اضافه دستمزد بخواهد و یا برای تخلیه محل مورد اجاره مهلتی تقاضا کند توده های است و جایش در زندان های بی نام و نشان.

روشن است که تا وقتی این شانناز باقی باشد راهی برای پیشرفت انقلاب نیست. چرا که حتی خود قانون اساسی هم به اتهام "شرقی" و "توده ای بودن" توقیف شده است.

چه باید کرد؟ عده های گمان می کنند که راه چاره عبارت از اینست که در استفاده از ارثیه ننگین شاه، جلوتر از خود شاه بروند و به

همه نشان دهند که آن ها در دشمنی با "شرق" و حزب توده ایران، حتی از شاه هم جبارترند. غافل از این که این روش نه تنها ضد - انسانی و ضد اخلاقی است، بلکه مطلقاً ضد انقلابی است. زیرا در عمل به دست کشیدن از همه اصول انقلابی، پس گرفتن هر تغییر و تحول در نظام شاهنشاهی منجر می شود - همان طور که هم اکنون منجر شده است.

تصادفی نیست که اوج حمله به دست آورده های انقلاب و پایمال کردن بی پروای قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که خود روشن - ترین جلوه هجوم به انقلاب ضد امپریالیستی و پر دمی ما و آماج های اساسی آنست با بازداشت گروهی از رهبران حزب توده ایران و بسیاری از مسئولان و کادرهای آن همراه است. توطئه علیه حزب توده ایران در واقع توطئه علیه آن اصولی است که حزب در راستای شکوفایی انقلاب برای استقلال ملی و انجام تحولات بنیادین به نفع توده های ده ها میلیونی کارگران و زحمتکشان و محرومان جامعه و به اتکا به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بی گیرانه در راه آن ها می ریزد.

یک واقعیت تاریخی وجود دارد و آن این که همه شعارهای مترقی و انقلابی در جامعه ما نخستین بار توسط حزب توده ایران مطرح شده است؛ از اصلاحات ارضی و قانون کار و بیمه، تا ملی شدن بازرگانی خارجی و تأمین مسکن و بهداشت و صنعتی کردن کشور و ریشه کن کردن بی سوادی. شعار "مرگ بر آمریکا" و "مرگ بر شاه" هم شعار ماست که ده ها سال قبل از قیام بهمن داده و بسیاری جان های شریف بر سر آن نهاده ایم. خود دعوت به انقلاب اجتماعی هم شعاری است که حزب ما مطرح ساخته است. و به خاطر همین شعارها و این هدف های شریف بود که آن همه مورد کینه شاه و آمریکا بودیم و هستیم.

واقعیت دیگر تاریخی اینست که بسیاری از کشورهای جهان قبل از ما انقلاب کرده و بسیاری از شعارهایی را که انقلاب ما دارد در عمل پیاده کرده اند و ما بعد از آن ها آمده ایم و حالا هر شعار انقلابی را پیاده کنیم طبعاً شبیه آن در کشور دیگری بوده و قبل از ما اجرا شده است.

این واقعیت ها را نمی توان تغییر داد. نه تاریخ حزب توده ایران را می توان خط زد و نه از سایر کشورهای انقلابی و پیشرفته می توان خواست که دست از عملکرد انقلابی و مردمی خود بردارند. مثلاً در کشورهای سوسیالیستی قیمت کالاها ثابت است و ده سال به ده سال تغییر نمی کند مگر به قصد تعدیل و بیشتر در جهت کاهش.

حالا چه باید کرد؟ آیا می توان از تثبیت قیمت ها به بهانه این که کمونیستی است صرف نظر کرد؟ آیا می توان از کشورهای سوسیالیستی خواست که دست از تثبیت قیمت ها بردارند که کار ما اولین نمونه در جهان و "نه شرقی" باشد؟

پس چه باید کرد؟ اگر راه انقلابی می خواهیم و نمی خواهیم به نظام دوران شاه و آمریکا خدمت کنیم و نمی خواهیم این مردم ستم دیده هم چنان در حلی آبادها جان بکنند، نمی خواهیم که کشور ما هم چنان کشور عقب مانده، فقیر و بیمار و بی سواد بماند، فقط یک راه در برابر ماست: دیدن واقعیت ها و به دور انداختن ارثیه ننگین ضد توده ای شاه و نجات دادن جامعه از این برجسب! و گفتن صریح این که توده ای بودن جرم نیست و هر چیز خوب را در هر جای دنیا باشد باید گرفت و متناسب با شرایط کشور به کار بست.

متاسفانه برخی از عناصر صدیق ولی نا آگاه و کوتاه بین مسلمان، به هواداران ما می گویند:

"اگر حزب توده ایران نبود ما راحت بودیم. دیگر کسی نمی توانست به ما برجسب بزند."

تنگ نظری این دوستان نا آگاه - که عملاً دست دشمنان آگاهند - تا به حدی است که نمی بینند و نمی فهمند که ملاکین و سرمایه داران بزرگ و آمریکا با خود آنان کار دارند و خود آن ها را به خاطر علاقهای که به انجام تحول در جامعه و تأمین استقلال ملی دارند "کمونیست" می شناسند. این شرکد شیطانی را در همه کشورهای به کار می بندند. ضعف جنبش توده ای و کمونیستی در عربستان سعودی و مصر کار انقلابیون مسلمان را راحت تر نکرده، کار آمریکا و فهد و سادات را راحت تر کرده است. وجود جنبش توده ای، تقویت مواضع حزب توده ایران، به نفع انقلاب است و از انقلاب تفکیک ناپذیر است. هر بار که جنبش توده ای ضربه می خورد باید مطمئن بود که انقلاب و همه انقلابیون از هر عقیده و مسلکی ضربه می خورند.

بقیه در صفحه ۱۱

مرگ بر امپریالیسم جهانخوار آمریکا، دشمن اصلی خلق های ایران و جهان

پیشنهاد های حزب توده ایران برای نجات انقلاب ایران از بحران

بقیه از صفحه ۱۰

اینرا هم اضافه کنیم که به عقیده حزب توده ایران، انقلاب ایران مانند هر انقلاب دیگری خصوصیات ویژه خود را دارد و اگر پیش برود، شاید در عرصه های معینی چیزهای تازه ای بیافریند که انقلابیون سایر کشورها از آن بهره گیرند، اما شرط این کار موفقیت کامل انقلاب است و ندرت جازدن و بازگشت آن. بگذار آن انقلابیون تنگ نظری که ناسیونالیسم کور چشمشان را بسته به دام ضدانقلابیان انداخته است به خود آیند و اگر واقعا می خواهند جامعه نمونه ای بسازند، نخست کارهای انقلابی و معمولی را که دیگر انقلاب هاسالها پیش و در چند هفته و چند ماه به پایان برده اند، انجام دهند تا راه برای تکامل باز باشد.

۳- تقویت سازمان ها و نهادهای توده ای

یکی از بزرگترین دشواری های انقلاب ما اینست که دشمنان دانا و دوستان نادان انقلاب دست به دست هم داده، جلوتشکل توده های مردم را می گیرند و در عوض سازمان های سیاسی و طبقاتی کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان را تقویت می کنند.

رژیم شاه هر سازمان و حزب مردمی را از میان می برد و با تبلیغات وسیع خود کاری کرده بود که بستن و تارومار کردن هر سازمان مردمی امری طبیعی تلقی شود و آزاد گذاشتن سازمان ها و مطبوعات امری شگفت آور. این ارت ننگین هم متأسفانه به جمهوری اسلامی ایران رسیده و علی رغم قانون اساسی که آزادی های اساسی مردم را تأمین می کند و شرط پیشرفت می داند، بسیاری از سردمداران جمهوری با همان معیارهای کهنه می اندیشند. بستن روزنامه ها و احزاب و سازمان های مردمی و حتی تارومار کردن سندیکا و تعاونی کارگری را طبیعی می دانند که به دستور دربان وزارت کار هم مقدور است، اما فعالیت سازمانی، حتی به حکم قانون اساسی و حتی بنایه وعده امام هم مقدور نیست. راست گرایان افراطی هر جا که دیده اند دو ایرانی زحمتکش دور هم جمع شده اند کمر به سرکوب آن بسته اند. نه فقط احزاب، که شوراهای کارگری، سندیکاها، اتحادیه ها، تعاونی ها، شوراهای محلی، هریک به نوعی متوقف، تعطیل و یا حتی سرکوب شده و هر جا هم که هنوز چیزی از آن ها باقی است با تمام قوا در تخریب آن می کوشند.

در عوض ضدانقلاب متشکل است. هم در خارج کشور و هم در داخل کشور. هم علنی و هم مخفی. هیچ کدام از سازمان های استخواندار ملاکین و سرمایه داران - از نوع فراماسونری، روتاری، لایزنر، انواع کلوب های پنهان و آشکار - پس از انقلاب ضربه سنگینی ندیده و کسی از فعالیت آن ها جلوگیری نکرده است. برعکس شرایطی فراهم شده که آنان سازمان های جدیدی پیدا کرده و با سازمان های سابق را فعال تر کنند. نمونه آن گسترش فعالیت همه جانبه حجتیه است که در همه دستگاه های دولتی نفوذ کرده و رشته بسیاری از امور را به دست دارد. حتی از افشا و مجازات جدی عمال جنایتکار سازمان جهنمی ساواک نیز معافیت به عمل آمد و به آن ها امکان داده شد که زیر نظارت مستقیم "سیا" شبکه های پنهانی خود را تادرون حساس ترین ارگان های دولتی و امنیتی پس از انقلاب گسترش دهند.

در برابر ملاکین، سرمایه داران متشکل - که در پشت پرده با سازمان های ضدانقلاب خارج کشور و سازمان سیا مربوطند و مانوسه های آنرا در فعالیت کلاه می ها، کشمیری ها و قطب زاده ها دیده ایم - توده مردم نیز جز این که متشکل شوند چاره ای ندارند و بهترین وسیع ترین راه شکل نیز سازمان های توده ای است که طبق قانون اساسی برای اجزای این بآان اصل از قانون اساسی باید تشکیل شود. از این طریق است که می توان نیرویی برای دفاع از قانون اساسی گرد آورد.

۴- همکاری و اتحاد عمل همه

نیروهای انقلابی

بزرگترین نقطه ضعف انقلاب ما تفرقه نیروهای انقلابی است.

در آغاز انقلاب اتحادی وسیع وجود داشت، ولی با عمیق تر شدن انقلاب و مطرح شدن ضرورت تأمین عدالت اجتماعی، طبعا از وسعت این اتحاد کاسته شد و دشمنان انقلاب با استفاده از زمینه تفرقه و خرابکاری که از زمان شاه به ارث مانده بود، به ویژه به اتحاد نیروهای انقلابی زیان زدند و هر نوع اتحاد انقلابی را تخطئه کردند و ظاهر اسلامی را معیار اتحاد قرار دادند، در نتیجه ساواکی هایی که طول تسبیحشان به درازی طناب دار بود متحد و دوست مسلمانان معرفی شدند و هر انقلابی صدیقی که تظاهر به زهد ریایی نمی کرد از همه جا طرد شد، و تفرقه دامنه گرفت و به این جا رسید که امروز می بینیم.

اگر می خواهیم انقلاب را نجات دهیم باید همه انقلابیون، یعنی همه کسانی را که در لحظه کنونی مدافع قانون اساسی و خواستار اجرای قطعی و سریع آن هستند با هم متحد کنیم.

برای این کار بیش از همه باید زحمتکشان مسلمان و مسلمانان مبارز را پیش گذارند. توده های ما علی رغم تمام رنج ها و دشواری ها هر چه توان داشته اند در این زمینه کار کرده اند و خواهند کرد، ولی تا وقتی که مسلمانان مبارز خود مبلغ و مدافع تفرقه باشند و در دام تفرقه افکنان بیفتند، طبعا امر اتحاد نیروها عملی نخواهد شد.

البته ما واقع بین هستیم. می دانیم که اتحاد از مراحل مختلفی می گذرد و بآن که خواستار اتحاد کامل نیروهای انقلابی زیر پرانه واحد هستیم، روی حرف خود بهانه گیری نمی کنیم و معتقدیم که امر اتحاد را می توان از ساده ترین اشکال آن هم آغاز کرد و در سازمان های توده ای به نوعی توافق در همکاری ضمنی هم که شده دست یافت.

۵- پایان دادن به جنگ تجاوزی صدام علیه ایران

امروز دیگر بر کسی پوشیده نیست که تجاوز صدام علیه ایران به تحریک امپریالیسم آمریکا صورت گرفته و چنان که رهبر انقلاب بارها تأکید فرموده اند هدف تجاوز شکست دادن انقلاب ایران است.

آمریکا و صدام در نقشه نخستین خود پیروز نشدند و با نیروی متحد مردم ایران از خاک سپهر ما به طور عمده بیرون رانده شدند. اما نقشه امپریالیسم آمریکا بر استفاده از این جنگ هم چنان ادامه دارد. آمریکا می خواهد این جنگ را فرسایشی کند و نیروهای ایران و به ویژه انقلابی ترین بخش نیروهای سپاه و ارتش را در باتلاق های جنگ برای مدت طولانی معطل و فرسوده کند.

حوال آمریکا در داخل کشور نیز با استفاده از ادامه جنگ فرسایشی، از یک سو وضع اقتصادی مردم را دشوارتر می کند، و از سوی دیگر با استفاده از غیبت نیروهای انقلابی و درگیری آن ها در جنبه ها، مواضع خود را تحکیم می نمایند.

آمریکا، ضمن اجرای این نقشه خطرناک و فرسوده کردن جمهوری اسلامی ایران در جنگ، در عین حال طوری رفتار می کند که هیچ یک از نمایندگان برجسته سرمایه داری بزرگ ایران و وابسته به آمریکا از ادامه جنگ دفاع نکنند و خود را در ظاهر صلح طلب نشان دهند.

حساب آمریکا اینست که به این ترتیب مسئولیت دشواری های جنگ به گردن نمایندگان سرشناس خط امام می افتد و آن ها در فرصت مناسب می توانند وابستگان خود را "پیک صلح" جابزنند و به مردم تحمیل کنند.

بر همه مردم و نیروهای خط امام است که در برابر این توطئه امپریالیسم بیش از پیش و کاملاً هشیار باشند.

هم چنان که رهبر انقلاب و نیز نمایندگان سرشناس خط امام بارها گفته اند ایران انقلابی آغازکننده جنگ نیست، جنگ طلب هم نیست و جدا طرفدار صلح شرافتمندانه و تأمین حقوق حقه ایران است. ایران انقلابی نمی خواهد که نیروهای خود را در جنبه ها بفرساید و نمی خواهد که به جای مردم عراق مسائل عراق را حل کند. ایران تنها از تمامیت خود و انقلاب خود با جانبازی و فداکاری دفاع می کند و بنابراین علاقمند است که این جنگ هر چه زودتر به سود انقلاب ایران پایان یابد تا نیروهای انقلابی بتوانند به حل مسائل اساسی انقلاب در داخل کشور بپردازند.

بقیه در صفحه ۱۲

برقرار باد اتحاد همه نیروهای صدامیالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

پیشنهاد های حزب توده ایران برای نجات انقلاب ایران از بحران

بقیه از صفحه ۱۱

روشن است که رسیدن به چنین صلح شرافتمندانه و قطع تجاوز صدام نیازمند آنست که جنگ - به معنویان یک توطئه آمریکا - به درستی و با روشن بینی بررسی شود.

۶- حضور مردم

انقلاب ایران تنها با حضور مردم تا به این جا رسیده و ادامه پیروزمند آن نیز موکول به ادامه حضور مردم در صحنه است. دشمنان انقلاب می گویند مردم را از صحنه خارج کنند و برای این کار ضمن دلبرد کردن آن ها از انقلاب، چنان شعارهای ضد انقلابی مطرح می کنند که مردم انقلابی از شرکت در صفوف آن بیزار شوند و از صحنه کنار بروند. در مقابل این توطئه دشمنان انقلاب، از هر رنگی که باشند باید ایستاد، در صحنه حاضر بود و به جای شعارهای کنگ و انحرافی، شعارهای روشن و مشخص انقلابی داد، شعارهایی که از اصول مترقی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران سرچشمه می-گیرد و متضمن خواست های انقلابی مردم است.

چنین است پیشنهاد های کمیته مرکزی حزب توده ایران برای برون رفت از بن بست و گسترش انقلاب. در خانه از رفقا و هواداران و دوستان حزب توده ایران می-خواهیم که انتظارات و پیشنهادات ما را برای برون رفت از بحران خطرناکی که انقلاب و دست آور های آن را تهدید می کند با کارگران و زحمتکشان انقلابی و پیروان صدیق خط امام که به ما مراجعه می-کنند به طور وسیع در میان بگذارند. به کارگران و زحمتکشان انقلابی بگویند: حزب توده ایران حزب خود شماست. این حزب چیزی نیست جز مجمع کارگران و زحمتکشان و روشنفکران انقلابی که برنامه آن همانا خواست ها و آرزوهای باطنی شماست. علت این که دشمنان انقلاب هر اقدام شما را به توده های بودن نسبت می دهند اینست که واقعا هم خواست های حزب با جز خواست های به حق شما نیست. آن چه آرزو و فکر شماست همانست که در برنامه حزب توده ایران نوشته شده و بهترین فرزندان شما طی چهل سال در راه آن جانفشانی کرده اند. فاصله شما از حزب توده ایران فقط به این علت است که شما هنوز خود نمی دانید که برای رسیدن به آرزوهای خود باید مبارزه متشکلی داشته باشید. سرکوب خشن حزب توده ایران - چه در زمان شاه و چه امروز- برای همین است که شما به خود آگاهی ترسید و از سنگر و جبهه خود جدا بنائید!

در برابر این توطئه دشمن طبقاتی هشیارانه پایداری کنید. بکوشید تا مبارزان انقلابی را که از خود شما هستند در پناه بگیرید. به آن ها نزدیک و نزدیک تر شوید. آن ها را بشناسید تا خود را بشناسید! به مسلمانان مبارز، پیروان صدیق راه مردمی و ضدامپریالیستی امام بگویند:

در این روزهای سرنوشت ساز مسئولیت شما بیش از همه است. مردم به شما اعتماد کرده و هر چه داشتند در اختیار شما گذاشتند. آن ها از هیچ گذشت و ایستادگی فروگذار نکردند. مایین امید که شما انقلاب را به پیروزی برسانید. امروز چه دارید به مردم بگویید و فردا که انقلاب به طور قطع شکست بخورد چه خواهید گفت؟ "گروهک ها نگذاشتند؟" آیا خودتان به این باور خواهید داشت و با وجدان راحت سر بر بالین خواهید گذاشت؟

دوستان عزیز برادران! خواهان این است که شما از انقلاب و پیروزی آن می ترسید؟ این ترس تاکنون بسیاری از انقلاب ها را در کشورهای نظیر کشور ما به شکست کشانیده است. مصدق از ترس پیشرفت انقلاب درمانده شد و حکومت را به شاه و آمریکا سپرد.

انقلاب یعنی تحول. و شما از تحول در همه ابعادش نباید هراسان باشید. هر تغییری نباید شما را در برابر این وحشت قرار دهد که "شرقی شد!" در نتیجه این ترس نادرست است که شما با هر

تغییری مخالفت می کنید و گاه به شانتاز ضد انقلاب تن در می دهید و در نتیجه غمناک - چه بخواهید و چه نخواهید - حافظ نظام کهنه می شوید که از بدترین و عقب مانده ترین نوع غریبی است. دوستان عزیز!

ما شما را به بی گیری در روش انقلابی و به اعتماد بد نفس دعوت می کنیم. کشور ما تمدن و فرهنگی غنی و عمیق دارد و این خطر به هیچ وجه در بین نیست که با پیشرفت انقلاب، شخصیت و منش ملی و مذهبی و خصوصیات فرهنگی ما از دست برود. برعکس فقط با زرفش و گسترش انقلاب است که ده ها میلیون زحمتکش ایرانی از خاک سیاه بلندی شوند و دست در دست هم، میهن عزیز را به یک کشور آزاد، مستقل، سر بلند و قدرتمند مبدل می کنند.

دشمنان انقلاب شما را به ویژه از ما توده های ما می ترسانند، در حالی که دشمن شما در درون خود شماست. دشمن اصلی شما - بر-خلاف ادعای عمال آمریکا و خدمه سرمایه داران غارتگر - مارکسیسم نیست، امپریالیسم آمریکاست که به صورت اسلام یزید و معاویه، به صورت اسلام آمریکایی در آمده است. به یاد آورید که مارکسیسم فقط صد سال است پیدا شده و هرگز امکان نیافته است که در کشور ما به طور وسیعی عرضه شود. اما اسلام - همان طور که بارها امام فرموده اند - از ۱۴۰۰ سال پیش مورد دستبرد واقع شده و پس از دوران صدر اسلام در محاق تعطیل افتاده است. آیا این حکومت های جور و ستمی را که در ۱۴۰۰ سال آمده و رفته اند خود را اسلامی نامیده اند مارکسیست ها آورده اند؟ آیا رضاشاه و محمدرضا شاه را توده های ما آورده اند؟ آیا قبایلهای چند صد و چند هزار پارچه آبادی غصبی را به نام یک مشت جبار غارتگر و فئودال بی رحم مارکسیست ها نوشته اند؟ به مبارزین مسلمان پیرو خط امام تاکید کنید:

بیش مارکسیسم یک مذهب نیست و به طریق اولی حزب توده ایران حزب مذهبی یا یک حزب ضد مذهبی نیست. بلکه یک حزب سیاسی و خواستار تحول اجتماعی به سود حقوق حقه توده های زحمتکش است. یعنی این حزب خواستار تحول بنیادی نظام اقتصادی - اجتماعی ایران، خواستار تامین استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی است.

برنامه حزب ما می تواند در چارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران پیاده شود و برای همین است که امروز تنها مدافع واقعی قانون اساسی ما هستیم.

به پیروان خود بنگرید! چه کسی متحد واقعی شماست؟! آن توده های که حتی به بهای جانش خواستار پیروزی انقلاب است، یا آن مدعی اسلام خواهی که صریحا و به نام اسلام با انقلاب مخالفت می-کند؟ چگونه است که شما با خواستاران شکست انقلاب یکی می شوید؟ جز اینست که از پیروزی می ترسید؟!

ما در هراس آینده خود نیستیم! اگر عمال سیا و موساد و اینتلیجنت سرویس همه توده های ما را هم از میان ببرند، ما مطمئن داریم که سرانجام برنامه عدالت اجتماعی به سود توده های زحمتکش اجرا خواهد شد، زیرا انقلاب راهی جز این ندارد و هر بار انقلاب توده ها اوج گیرد، حزب توده های آن ها هم قطعا باشکوه بیشتر بر خواهد داشت. آن ها که می خواهند بهره کشی و روش های نواستعماری را ابدی کنند به این مقصد محال خود نخواهند رسید. بشریت از خواب دیرین بیدار شده و هر روز که بگذرد بیدارتر خواهد شد و این روندی است جلوگیری ناپذیر.

نگران ما از آینده انقلاب مشخص کنونی است که شما در راس آن قرار دارید. اگر این انقلاب شکست بخورد - همان طور که امام بارها تاکید فرموده اند - شما دیگر سر بلند نخواهید کرد.

به خود آبیید! به وعده های خود عمل کنید! نگذارید دشمنان مردم و عمال آمریکا، پیام ها و فرمان های امام را این چنین خوار کنند و بلا عمل و بلا اثر بگذارند. با روی همان تعهد انقلابی که از آغاز انقلاب گفته ایم ایستاده ایم و هر گام انقلاب را علیه امپریالیسم و در جهت منافع مردم تأیید می کنیم و به پیشرفت انقلاب کمک می رسانیم. ما هم چنان پشتیبان خصلت ضد امپریالیستی و مردمی خط امام هستیم. ولی باید پرسید خود شما عملا چطور و تا کجا؟

پاسخ این پرسش را نه به ما به مردم، به تاریخ و به وجدان خودتان بدهید!

۲۸ فروردین ۱۳۶۲

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

کمونیستهای فیلیپین

مبارزه خود را علیه سیطره نو استعمار تشدید می‌کند

بر اقتصاد این کشور آشکار شد. حزب کمونیست فیلیپین به درستی دلیل اصلی مشکلات اقتصادی کشور را در نفوذ کنترل‌شده سرمایه‌های انحصاری خارجی، یعنی چیزی که منجر به سلطه نو استعمار بر کشور شده است، ارزیابی می‌کند. بهمین جهت در اسناد کنگره هشتم حزب از جمله در این رابطه می‌خوانیم: "تضاد اصلی جامعه امروز فیلیپین، تضاد بین امپریالیسم و توده‌های خلق است. انحصارهای سرمایه‌داری خارجی دشمن اصلی خلق فیلیپین‌اند آنها همان محافل هار امپریالیسم ایالات متحده آمریکا هستند، که راه برون رفت از بحران اقتصاد خود را در سیاست تنش‌فزایی و فوق‌تسلیمات

مانند گیهای ناشی از سلطه استعمار و نو استعمار با مسئله تنش‌زدائی پیوندی تنگاتنگ دارد. به همین دلیل یکی از اهداف مهم سیاست تجاوز-کارانه امپریالیسم آمریکا اینست، که سیطره خود را بر منابع زیرزمینی و ذخائر انرژی پایدار نگاه‌دارد و آنها را گسترش دهد. امپریالیسم آمریکا در این رابطه می‌کوشد پیامدهای ناشی از بحرانهای عمومی و ادواری اقتصاد سرمایه‌داری را حتی امکان برداش کشورهای در حال رشد قرار دهد. بار

روند بحران اقتصادی مراکز امپریالیستی را قبل از همه کشورهای برداش احساس می‌کنند، که مانند فیلیپین یا تسمه‌هائی محکم به سیستم اقتصاد

باتوجه به این واقعیت، که تنش در منطقه آسیای جنوب شرقی، در اثر سیاست تنش‌فزایی و فسوق تسلیحاتی محافل هار امپریالیسم ایالات متحده آمریکا، در سالهای اخیر افزایش یافته است، موضعگیری سیاسی و ایدئولوژیک احزاب کمونیست این منطقه در رابطه با مسائل محوری دوران ما، از وزن بیشتری نسبت به گذشته برخوردار خواهد بود.

کمونیستهای فیلیپین، محافل هار امپریالیسم آمریکا را مقصر اصلی تنش بین‌المللی و افزایش خطر جنگ هسته‌ای می‌دانند. در گزارش کمیته مرکزی به هشتمین کنگره حزب کمونیست فیلیپین آمده است: "امپریالیسم ایالات متحده آمریکا با تمام امکانات می‌کوشد نسبت به اتحاد شوروی به برتری نظامی استراتژیک دست یابد و این هدف را از طریق دامن زدن به مسابقه تسلیحاتی، بالا بردن هزینه‌های نظامی برای یافتن توان انی بیشتر، تکامل سلاحهای جدید استراتژیک، مستقر ساختن نیروهای نظامی خود در اقصی نقاط جهان و بوجود آوردن پیمانهای نظامی، تعقیب می‌کند."

پایگاههای نظامی ایالات متحده آمریکا، که بعد از جنگ دوم جهانی در فیلیپین ساخته شد، اکنون نقش استراتژیکی مهمی در نقشه‌های تجاوزکارانه پنتاگون ایفا می‌کند. امروزه یکی از پایگاههای نظامی دریائی در فیلیپین بنام "سایک بی" محل استقرار ناوگان هفتم ایالات متحده و یک پایگاه نظامی هوائی بنام "کلارک ایرفیلد" محل استقرار اسکادران هوائی سیزدهم ایالات متحده آمریکاست.

در این دو پایگاه نظامی دریائی و هوائی بیش از ۱۶۰۰۰ سرباز و کارشناس نظامی مجهز به مدرن‌ترین تکنیکهای جنگی وجود دارند. زمانیکه "مارکوس" رئیس‌جمهور فیلیپین اواسط سال ۱۹۷۵ در مذاکرات با ایالات متحده آمریکا خواستار محدود شدن پایگاههای نظامی ایالات متحده در فیلیپین شد، یعنی چیزی که مستقیماً در ارتباط با حق حاکمیت و تقویت استقلال ملی کشور متبوعش بود، با پشتیبانی و تأیید همه نیروهای دمکراتیک و صلح دوست رویو شد.

امروزه حزب کمونیست فیلیپین مبارزه‌ای بی‌امان را برای برچیدن پایگاههای نظامی امپریالیستی از خاک کشورش، دنبال می‌کند. حزب از تمام وسائل ممکن در مبارزه علنی خود استفاده می‌کند تا برای مردم روشن کند، که پایگاههای نظامی آمریکاست در خاک فیلیپین نافی حق حاکمیت و استقلال ملی این کشورند.

حزب کمونیست فیلیپین در تحلیل اصولی خود همان نظر جنبش جهانی کمونیستی را نمایندگی میکند، که بین مبارزه برای صلح و مبارزه در راه ترقی اجتماعی پیوندی ناگسستنی وجود دارد.

امپریالیسم جهانی در عین حال، که منبع اصلی تجاوز و خطر جنگ است، مانع اصلی برسرراه تکامل و ترقی اجتماعی نیز بشمار می‌رود. خصوصاً در کشورهای در حال رشد مسئله از بین بردن عقب



۱۹۸۱، ایزدین خواستار تحریم انتخابات ریاست جمهوری شد

جستجو می‌کند و برای حل مشکلات اقتصادی خود به کشورهای در حال رشد "مدل" تحمیل می‌کند، "مدلهائی" که از مدت‌ها پیش دیگر حتی قادر به حل مشکلات ابتدائی جامعه نیز نیستند. این محافل هار امپریالیستی هستند، که سعی دارند، کوششهای کشورهای در حال رشد را برای دستیابی به نظامی که قادر به حل مسائل بنیادی اقتصادی-اجتماعی باشد، باهمه وجود عقیم گذارند.

جهان سرمایه‌داری پیوند داده شده‌اند. البته باید اذعان داشت، که کمونیستهای فیلیپین در کوشش خود برای گسستن این پیوندها تنها نیستند و علاوه بر اقشار بینابینی، حتی اقشاری از بورژوازی ملی فیلیپین نیز بخاطر تشدید تضادهای جامعه، به مقابله با این روش تحمیلی نو استعمار برخاسته‌اند.

برنامه اصلاحاتی بورژوازی، که در دهه ۷۰ در خدمت منافع بورژوازی ملی فیلیپین آغاز شد، به نظر حزب کمونیست فیلیپین فقط بعضاً توانست تحقق یابد. هسته مرکزی این برنامه یعنی اصلاحات ارضی در درجه اول متوجه از بین بردن سلطه بزرگ مالکین فئودال بود. سیاست اقتصاد محافل حاکمه را استفاده از سرمایه ملی، سرمایه‌گذاری از خارج و یا به اصطلاح "کمکهای اقتصادی از خارج"، برای از میان بردن وابستگی به انحصارهای امپریالیستی و نابود کردن بقایای فئودالیسم تشکیل می‌داد. این سیاست اصلاح طلبانه بطور همزمان می‌کوشید از "روابط و بستری" با ایالات متحده آمریکا بگاهد و بر نزدیکی روابط با کشورهای سوسیالیستی و پیوستن به جرگه جنبش غیرمتهمها تأمل نشان دهد.

پس از گذشتن دوره اعتدالی نسبی اقتصاد فیلیپین در دهه ۷۰ رسیدن سالهای بحرانی آغاز دهه ۸۰، تأثیر مخرب بحران ادواری امپریالیسم

مردگانی، که گریه عابد شد

بقیه از صفحه ۱۴

خط مردمی و ضد امپریالیستی انقلاب درحاکمیت جمهوری اسلامی ایران است. روی خوش نشان دادن امپریالیستها و شرکتهای وابسته به آنها، تنها بیانگر اهداف پلید این جهانخوران است والا مطمئن باشید کوچکترین گامی در جهت تأمین خود کفائی کشور ما بر نخواهند داشت. امپریالیسم همه کشورهای جهان سوم را عقبمانده می‌خواهد تا منبعی برای مواد خام و بازاری بزرگ فروش کالاهای مصرفی باشند. ماهیت امپریالیسم چنین است. دولت‌مدانی که آنرا فراموش کنند خواه ناخواه آلت دست امپریالیسم بین‌المللی خواهند شد.

مردگانی، که گربه عابد شد

شرکت قالبوت، کارگران ایران ناسیونال را آموزش تخصصی می دهد

روابط عمومی شرکت ایران ناسیونال در يك اطلاعیه اعلام کرده است: " با توجه به اهداف جمهوری اسلامی ایران مبنی بر قطع وابستگی صنعتی و حرکت در جهت خود کفائی، براساس قرارداد منعقدہ بین کارخانجات صنعتی ایران ناسیونال و شرکت " قالبوت " انگلستان، شرکت " قالبوت " موظف و متعهد شد به مدت ۵ سال پرسنل فنی ایران ناسیونال را در دوره های ۴ ماهه و در گروه های ۲۰ نفره با هزینه خود آموزش تخصصی بدهد. لذا به یاری خداوند متعال اولین گروه از کارکنان ایران ناسیونال پس از طی يك دوره کلاس آموزش زبان انگلیسی در مرکز آموزش این کارخانجات مازن کشور انگلستان شد."

این اطلاعیه را باید چند بار با دقت خواند تا به کنه مطلب پی برد. دولت انگلستان بیک دولت استعماری و امپریالیستی است. این دولت چه در دوران پیش از انقلاب و چه پس از آن، دشمن سرسخت مردم ایران بوده و هست. کودتای ننکین ۲۸ مرداد حاصل توطئه ننکین امپریالیسم آمریکا و امپریالیسم انگلستان علیه تلاش مردم ایران برای کسب استقلال واقعی اقتصادی و سیاسی بود. و بدنیال همین کودتا

شرکت های امپریالیستی و از جمله همین شرکت " قالبوت " در تمام شئون اقتصادی و سیاسی و نظامی و حتی فرهنگی کشور ما نفوذ کردند و آنرا بصورت يك نیمه مستعمره در آوردند. ولی حالا جمهوری اسلامی ایران را چه میشود کسه امپریالیسم انگلستان و شرکت " قالبوت " او موظف و متعهد " شده اند به مدت پنج سال پرسنل فنی ایران ناسیونال را در دوره های ۴ ماهه و در گروه های ۲۰ نفره با هزینه خود آموزش تخصصی بدهند؟ آیا معجزه ای رخ داده و امپریالیستها با انقلاب ما آشتی کرده اند و یا اینکه کاسبای زیر نیم کاسه هست؟ البته کسانی که با مسائل فنی آشنا هستند خوب میدانند که در دوره های چهار ماهه، اگر هم خوب سازمان داده شده باشد، برای کسب آموزش تخصصی بمنظور خود کفائی فوق العاده کوتاه است. در این مدت مثلا میتوان بیک کارگر یاد داد که چگونه با يك ماشین تراش، فلان جزء موتور را آماده کند. اما آیا این میتواند در عقب ماندگی فنی و علمی ما را درمان کند و ما را خود کفا نماید؟ برای رسیدن به خود کفائی ما باید از سیر تا بیاز را بیاموزیم، طراحی و ماشین، محاسبه آن، تکنولوژی تولید، مونتاژ و

غیره. بدین منظور باید کادرهای بسیار زیادی را بصورت مهندسان، تکنسین، فیزیک دان، شیمی دان، ریاضی دان و غیره آماده کنیم تا بطور هماهنگه، هر يك گوشه ای از کار را بعهده بگیرند و آنرا پیش ببرند و گرنه آنگونه " خود کفائی " نظیر همان " صنعتی کردن " دوران شاه است، که مقداری کارخانه های مونتاژ وابسته به کشورهای امپریالیستی ایجاد کرد و کشور ما را بصورت نیمه متعهد در آورد.

آیا واقعا رهبران جمهوری اسلامی ایران این مسائل را درک نمیکنند و از روی ناآگاهی به عمل باقیمانده و نفوذی امپریالیسم امکان میدهند با مسلمان نمائی و گذاشتن يك " بسمه تعالی " و یا " بسم الله الرحمن الرحیم " بالای نقشه های خانمان سوز خود، آنرا با بهرحا کسه میخواهند بکشند؟ و یا اینکه بر اثر گرفتار شدن در بین بست اقتصاد و سیاسی، تنها راه چاره را در سازش با امپریالیسم بین المللی می بینند؟ عقب نشینی های جدی حاکمیت جمهوری اسلامی ایران در ماههای گذشته، در برابر راستگرایان و عمال سرمایه داران و بزرگ مالکسان در تمام زمینه های اقتصادی بسیار نگران کننده است زیرا میتواند منجر به تسلیم کامل سنگرهای انقلاب به دشمن داخلی و خارجی شود. هجوم دو ماه پیش راستگرایان به نیروهای پیگیر خواهان استقلال - آزادی و عدالت اجتماعی خود یکی از نشانه های نگران کننده از پیدایش انحراف از عقب نشینی های جدی حاکمیت جمهوری اسلامی ایران در ماههای گذشته، در برابر راستگرایان و عمال سرمایه داران و بزرگ مالکسان در تمام زمینه های اقتصادی بسیار نگران کننده است زیرا میتواند منجر به تسلیم کامل سنگرهای انقلاب به دشمن داخلی و خارجی شود. هجوم دو ماه پیش راستگرایان به نیروهای پیگیر خواهان استقلال - آزادی و عدالت اجتماعی خود یکی از نشانه های نگران کننده از پیدایش انحراف از

با یکدیگر به جزئی ترین شکل خونه هم جلوگیری کنند؟

آنها با حمله به میزهای کتاب ما در دانشگاهها با حمله به جشن ها و میتینگ های ما با حمله به هر شکل فعالیت سیاسی ما برای دفاع از انقلاب از نزدیکی ما با یکدیگر جلوگیری می کردند. امیر - یالینسم آمریکا در این لحظات حساس از تمام بازوان خویش برای رسیدن به این هدف و ایجاد جو عدم تفاهم در میان نیروهای انقلابی هواندلر انقلاب استفاده می کند. اگر تا دیروز این هدف به صورت ترورهای شخصیت های اصلی خط امامی، حمله به دفاتر حزب و هواداران ما صورت می گرفت، امروز با هجوم راستگرایان و محافظ ارتجاعی و متهم کردن حزب ما به اتهامات ناروا صورت میگیرد. به همین دلیل است که کمیته مرکزی حزب تسوده ایران در اعلامیه اخیر خود، این هدف را چنین ارزیابی میکند " تخم نفاق، بدگمانی و بی اعتمادی میان نیروهای انقلابی پاشیدمی شود و اتحاد عمل آنان در دفاع از انقلاب و جمهوری تا حد غیرممکن دشوار می شود و جمهوری بلادفاع می ماند."

هر کجا که به شما حمله کردند ما نیبیز پلافاصله مورد حمله واقع شد ما هم و هر کجا که بیه ما ضربه زد ما ندانستیم هم پلافاصله بی نصیب از آن نماند باید. ما می گوئیم اینها می خواهند ما را رادش بکشند " اینها از حمله به ما، بازداشت رهبران حزب ما همه، دستاورد های انقلاب را هدف قرار دادند. اگر امروز به خود نیائیم فردا دیوار خواهد بود.

بعد از جمشید نوبت توده ایهاست

برای ایجاد جو ناامنی و خشونت از هرگونه تهمت و افترا، کمین شبانه در محل سکونت و کار، حمله گروهی از پشت سر به وحشیانه ترین شکل خود کوتاه می نکردند. کافیس اشاره شود در مدت چند ماه جمعا ۱۰ فقره حمله غافلگیرانه از طرف ضد انقلاب در این شهر انجام شده که بیشتر آنها منجر به مجروح و مدوم شدن هواداران

بکس دلیل که شعار " بعد از جمشید نوبت توده ایهاست " را نشان می دهد، در شهر مو- پیلید، یکی از شهرهای جنوب فرانسه گرفته شده است. جمشید یکی از مسلمانان انقلابی است که از طرف ضد انقلاب به وسیله چکش شدیدا از ناحیه سر مجروح و بستری شد و پزشکان باتلاش فراوان و بعد از چند ماه بستری شدن نتوانستند او را از مرگ نجات دهند.



انقلاب شده است. اکنون توده های ما این سوال را از مسلمانان مبارز میکنند: چرا همواره ما و شما مورد این حملات بوده ایم؟ چرا آنان همواره کوشش خود را صرف این کردند که از کوچکترین تشکل های ما، همکاری ما

این شیوه رذیلانه، در این شهر و در شهر های دیگر علیه مدافعان انقلاب، چه مسلمان مبارز و چه دگر اندیش با دلگرمی از حمایت پلیس کشورهای امپریالیستی افعال می شود. آنها برای راندن هواداران انقلاب از صحنه سیاسی و

کنفرانس علمی "کارل مارکس و زمان ما" - ...

بقیه از صفحه ۵

انطباق مارکسیسم-لنینیسم با واقعیت پخرنج آنروزی ایران، در آغاز امر دچار برخی اشتباهات سکتاریستی شد. نکته اینجاست که تا آن هنگام مارکسیسم-لنینیسم بطور عمده تکامل خود را در جامعه‌های اروپائی طی کرده بوده و بسا وجود يك سلسله رهنمودهای بسیار گرانمایسه نماید که در آثار مارکس، انگلس و لنین در مورد کشورهای خاور زمین وجود داشت، انطباقی شخصی تر، گسترده تر آموزش مارکس بر جوامع این کشورها هنوز کاری بود که می‌بایست ادامه یابد و راه پر فراز و نشیبی را طی کند. در آن ایام حزب ما، در مورد شناخت عمل کرد اجتماعیهی بورژوازی ملی و قشرهای متوسط جامعه در این کشورها و مختصات ایدئولوژیک آنها، تصورات چندانی روشن نداشت. ولی حزب پس از تصحیح اشتباه خود، سیاست درست اتحاد و انتقاد را نسبت به نیروهای ملی و نیروهای دمکراتیک که در مبارزه ضد امپریالیستی شرکت داشتند، در پیش گرفت.

جنبش مردم ایران برای ملی کردن صنایع نفت در دوران حکومت دکتر محمد مصدق، در اثر کودتای سیا ساخته محمد رضا شاه پهلوی و ژنرال زاهدی با شکست روبرو گردید. حزب توده ایران با خوشنیتی هر چه تمامتر سرکوب شد. دوران طولانی و ۲۵ ساله اختناق سیاه آغاز شد، همان دورانی که اکنون امپریالیسم آمریکا رویای تجدید آنرا در سر می‌پروراند و مایل است به "بهشت گذشته" خود بازگردد.

در سالهای ۵۰ و ۶۰ و بخشی از سالهای ۷۰، تاثیر انحرافات که در جبهه جهانی کمونیستی، در نتیجه يك سلسله علل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی دوران پس از جنگ دوم جهانی پدید شده بود، در میان مبارزان ایرانی نیز مشهود است. اشکال مختلف "مارکسیسم" انحرافی، بویژه در میان جوانان، آغاز شد. گروهی هکلهای ساخته "سیا" از "چپ" به مبارزه با مارکسیسم راستین انقلابی و حزب توده ایران که مدافع و اشاعه گر آن بود، پرداختند. در همین دوران است، که بخشی از دکراسی انقلابی و از آن جمله جوانان مذهبی تاثیر مارکسیسم را به اشکال مختلف پذیرفتند. تشدید مبارزه طبقاتی در صحنه جهانی با امپریالیسم، اثرات خود را در بینش مذهبی باقی گذاشت و این پدیده در کشور ما بعد از نتایج بزرگی بیار آورده و در انقلاب اخیر کشور ما تاثیر نمود.

میتوان گفت که از سال ۱۹۷۶ بحران شدید رژیم دیکتاتوری دست نشانده محمد رضا شاه (که نقش ژاندارم امپریالیسم را در خلیج فارس ایفا میکرد) آغاز گردید. این رژیم کوشید تا یک الگوی نمونه‌وار از جامعه سرمایه‌داری وابسته را با تقلید شیوه زندگی آمریکائی در کشور ما پیاده کند. این رژیم هیچیک از مسائل درون‌ناک جامعه ما مانند مسئله استقلال اقتصادی و سیاسی،

مسئله دکراسی، مسئله ارضی، مسئله حقوق اجتنابیهی و اقتصادی کارگران و زحمتکشان، مسئله برابری حقوقی اجتماعی زنان، مسئله مبارزه با بیسوادی و ایجاد مبانی فرهنگ و علم و هنر بمعنای واقعی کلمه را حل نکرد و آشکارا راه غارتگری بی‌بند و بار و پند و بست با انحصارهای امپریالیستی و خیانت ملی و سرکوب بیرحمانه جنبش مردم را در پیش گرفت. تضاد کل جامعه ما با امپریالیسم و تضاد های درونی جامعه ما به حدت بی‌سابقه‌ای رسید. انقلاب ضد سلطنتی و ضد امپریالیستی ایران، که بحالت شرکت اکثریت شکستنده مردم در آن رخ داد، بر خصلت خلقی بود، در سال ۱۹۷۹ روی داد. بر اثر سیاست تصفیعی وحشیانه رژیم شاه و پراکنگی موجود در میان نیروهای چپ متاسفانه ایسین نیروها نتوانستند نقش قابل توجهی در روند این انقلاب بعهده بگیرند.

ویژگی انقلاب ایران آنست، که با داشتن محتوای اجتماعی و طبقاتی معین، در زیر پرچم بینش اسلامی و در پوسته اسلامی، انجام گرفته است. تئوری پردازان امپریالیستی بویژه سعی دارند که این محتوا را منکر شوند و از نوزائسی و رنسانس بنیادگرائی اسلامی سخن می‌گویند و مضمون اصلی اجتماعی انقلاب را سکوت می‌گذارند طبیعی است که در این طرز تعبیر و تفسیر از انقلاب ایران، اندیشه پردازان سفینه گستر بورژوازی امپریالیستی، دچار اشتباه محصومانه نیستند، بلکه مایلند، که نقش مردم و خواستههای رادیکال آنها در این انقلاب و خصلت اجتماعی و سیاسی آن نادیده گرفته شود.

مارکس و انگلس و لنین در موارد مختلفی تاکید کرده‌اند، که انقلابهای اجتماعی میتوانند در پوسته بینش مذهبی انجام گیرند. این پدیده بارها در سده‌های میانه و در دوران جدید دیده شده است. مارکس پیوسته پدیده "مذهب را چپ در برخورد با نظریات هگل و هگلیمان جوان" و هم در برخورد با نظریات فویرباخ مورد بررسی ژرفی قرار داده است. از نظر مارکس، مذهب شکلی از شعور اجتماعی است، که دارای اهمیت بینشی است. مارکس می‌نویسد: "مذهب میتواند بشكل بلاواسطه و عاطفی شیوه رفتار انسانها نسبت به آن نیروهای طبیعی و اجتماعی باشد، که از او بیگانه شده‌اند، این امر تا زمانی است، که بشریت در سلطه این نیروهای بیگانه شده است." (کلیات مارکس و انگلس به آلمانی - ج ۲۰ - ص ۲۹۴)

از آنجا که مذهب، از دیدگاه مارکس، انعکاس و تاثیر ویرانگر نیروهای طبیعی و اجتماعی در شعور انسان، منکوبیت او از شرایط زندگی، و بنا بیک اصطلاح ژرف مارکس، "آه يك مخلوق ستم دیده" و نتیجه از هم پاشیدن مبنای زمینی زندگی انسانی است، لذا نقش آن، در خلقهای "جهنم سوم"، که در زیر ستم دوگانه امپریالیسم و ارتجاع خودی زجر می‌کشند، بویژه بسیار نیرومند است.

بهمین جهت تنها بینش مسلط و قابل درک برای اکثریت بزرگ مردم در بخشهای مهمی از "جهان سوم" تا کنون نیز بینش مذهبی است. لذا ابدا تعجبی ندارد، اگر در کشور ما بسیاری از جنبشهای اجتماعی، خواه در سده نوزدهم خواه در سده بیستم، با شرکت موثر بخشی از روحانیت مبارز و مسلمانان عدالت طلب و زیر چتر بینش مذهبی اسلامی انجام گرفته است. این پدیده نه تنها برای مارکسیسم پدیدهای غیرمنتظره نیست، بلکه تنها مارکسیسم میتواند آنرا به شکل علمی، روشن کند و توضیح دهد.

مذهب همیشه طی تاریخ ما برحسب آنکه پرچم اندیشه‌های کدام طبقات و قشرهای اجتماعی بوده، عمل کرد خاصی داشته است. اکنون نیز در بسیاری از جوامع "جهان سوم"، مذهب نقش دوگانه مذهب (و از آنجمله اسلام را) مشاهده می‌کنیم. مثلا اسلام در عربستان سعودی عدل، پاکی کستان، و امثال آن، در خدمت قشرها و طبقات قعودال و کومبرادوری قرار دارد، که به امپریالیسم خدمت می‌کنند. روحانیت محافظه کار وابسته به این طبقات، مذهب را در این کشورها مسبور تعبیراتی قرار میدهد، که در دوران قعودال ایسم بسود خلفا، شاهان و خانهای ستمگر قرار گرفته بود.

ولی مذهب، از سوی دیگر، میتواند در خدمت مقاصد توده‌های محروم قرار گیرد و به نیروی پراکنجی از انگیزانندهای بسود برقراری عدالت اجتماعی بدل گردد. امام خمینی نماینده این خط مردمی در مذهب است و باین جهت شخصیت او و روش او و نظریات او خشم و کینه امپریالیسم و ضد انقلاب را علیه او برانگیخته است.

تاکتیک امپریالیسم و ضد انقلاب آنست، که اگر نتوانند حاکمیت اسلامی را سرنگون کنند، در آنصورت خصلت ضد امپریالیستی و خلقی آنرا مورد مسخ قرار دهند و آنرا از درون دیگرگون سازند و با تعبیر قشری و سنتی از اسلام، ماهیت اولیه انقلاب را از میان ببرند و راستای آنرا تغییر دهند. بهمین جهت اشکال جدید دشمنی با مارکسیسم به اشکال کهنه اضافه شده است، زیرا آنچه که امپریالیسم و ضد انقلاب را پیش از همه هراسان می‌کند، ورنمای وحدت عمل و اتحاد مسلمانان مبارز و مارکسیستهای اصلی است.

اشکال جدید کمونیسم ستیزی پس از انقلاب بد و صورت اصلی زیرین در آمده است:

۱- فعالیت شدید "انجمن حجتیه" و "گروهی از روحانیون و مسلمانان قشری طرفسدار سرمایه‌داری و بزرگ مالکی، که با جهت ضد امپریالیستی و مردمی انقلاب پشدت مخالفند و تحت عنوان دفاع از "اسلام اصیل" عملا در خنط ضد امپریالیستی و مردمی امام خمینی مغلطه می‌کنند. این عناصر توانستند پس از انقلاب نفوذ بزرگی در نهاد های دولتی و اجتماعی کسب کنند و اینک انقلاب از جانب آنها جدا در معرض تهدید قرار گرفته است؛

۲- گروههای لیبرال و ملی‌گرا (بویژه بخش مذهبی آنها)، که با دفاع آشکارا از سرمایه‌داری و لزوم "آشتی" با آمریکا و سازش با امپریالیسم

کنفرانس علمی "کارل مارکس و زمان ما" ...

بقیه از صفحه ۱۵

عمل می کنند و با حزب توده ایران و مارکسیسم و سوسیالیسم جهانی دشمنی آشفتنی ناپذیر دارند.

ولی علیرغم همه این دشواریها و خطرات و در درون این شرایط پخرنج و متضاد، گرایش نزدیکی و اتحاد و وحدت در میان گروههای صادق مارکسیستی (که در گذشته دچار یک سلسله اشتباهات و گمراهی ها بوده اند) بسط یافته و از آنجمله این گرایش در میان سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) مسلط است برخی گروههای چپ کوچک تر نیز تحولات سالمی را طی می کنند و کرده اند. این روند وعده میدهد که تفرقه زبان باری که در صفوف پیروان سوسیالیسم علمی در کشور ما بویژه در اثر مختصات وضع ایران و جهان در دهه های نزدیک پیش پدید آمده بود، خاتمه پذیرد.

نطفه های جالب توجه از چنین پدیده ای همچون در میان انقلابیون مسلمان دیده می شود، که بدون تردید میتوان به گسترش آینده آن امیدوار بود.

حزب توده ایران با تشخیص درست و مارکسیستی ویژگی های کنونی جامعه ایران، سیاست خود را بر پایه پشتیبانی از مسلمانان انقلابی پیرو خط امام خمینی در مبارزه آنان علیه امپریالیسم و استبداد سلطنتی قرار داده است. حزب توده ایران با تمام قوا کوشید و می کوشد تا انقلاب را از لغزش بجانب راست صیانت کند. نقش حزب ما بویژه از جهت در انقلاب کنونی قابل ذکر است:

۱- از جهت بسیج همیشگی عمومی جامعه در مقابل دساین رنگارنگ امپریالیسم و ضد انقلاب و افشاء موقع توطئه ها و نقشه های ضد انقلابی از این جهت حزب ما خدمات زیادی به انقلاب کرده است.

۲- از جهت فعالیت در جهت آشنا ساختن بیشتر جامعه با تئوری مارکسیستی و سوسیالیسم واقعا موجود و جنبش های رهائی بخش ملی و مبارزه با آپولیتیسیم و عامی گری سیاسی که بویژه رژیم سرنگون شده آنرا به جامعه سرایت داده بود، و بالا بردن فعالیت توده ها.

انجام این وظایف در جو مارکسیسم ستیزی خشم آلود امپریالیسم، ضد انقلاب و نیروهای محافظه کار و سازشکار، عملا با دشواریهای متعددی همراه بوده و هست. ولی تمام پیروان سوسیالیسم علمی - علی رغم دشواریها و جو زهر آگین کمونیسیم ستیزی - در این راستا فداکارانه پیکار می کنند.

انقلاب ۱۹۷۹ کشور ما، با وجود داشتن خصیلت ضد امپریالیستی و ضد سلطنتی و با آنکه نیروهای محرک آنرا اکثریت مطلق جامعه تشکیل میداد، و از این جهت از همان آغاز خصیلت مردمی و دمکراتیک آشکاری کسب نمود، هنوز از چارچوب نسبتا تنگ بورژوا - دمکراتیک خارج نشده است. با آنکه بسیاری از خواسته های اصلی دمکراتیک

مردم در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران فرموده - لیبندی شده و اکثریت مطلق جامعه بدان رای داده است، ولی این اصول کماکان روی کاغذ باقی مانده است و قوانین معدود ناقصی هم کسه برای اجرا اصول قانون اساسی از مجلس شورای اسلامی گذشته، مورد "وتوی" شورای نگهبان قانون اساسی قرار گرفته است. بدینسان، انقلاب از سال ۱۹۸۱ دچار رکود، پحران و توقف در سر دوراهی شده است.

روحانیت مبارز و نیروهای چپ و دمکراتیک به پیشرفت بعدی انقلاب علاقمندند، ولی امپریالیسم و متحدان آشکار و پنهان او با تمام قوا میکوشند که انقلاب را به واپس بکشانند. بویژه امپریالیسم آمریکا، که در همه جهان برای خود منافس "حیاتی" قائل است، تدارکات نظامی وسیعی در خلیج فارس و کشورهای مجاور ایران دیده و خواستار ادامه جنگ فرسایشی ایران و عراق و سازمان ده اصلی در این شرایط، انقلاب ایران برای آینده با دو امکان روبروست:

امکان اول: موفقیت امپریالیسم و ضد انقلاب و نیروهای محافظه کار و سازشکار برای تجدید دوران اختناق علیه سازمانهای مترقی و اندیشه های مارکسیستی؛ یعنی همان پدیده ای که در سده حاضر چند بار در تاریخ کشور ما تکرار شده است. این امر آغاز دوران ناکامی انقلاب ایران خواهد بود؛ هم اکنون این نیروها با تقویت مواضع خود در درون حاکمیت و سایر نهاد های سیاسی و اجتماعی کشور یورشهای خود را علیه سازمانهای مترقی از جمله حزب توده ایران تشدید کرده اند و اکثریت رهبری حزب از جمله دبیر اول کمیته مرکزی آن رفیق نورالدین کیانوری را با اتهامات واهی و بی اساس زندانی و برای فعالیت حزب و سایر سازمانهای سیاسی مترقی دگراندیش مشکلات و محدودیتهای سنگینی ایجاد کرده اند. با وجود این حزب توده ایران همچنان سیاست روشن و بی ابهام خود را در پشتیبانی و حمایت از نیروها و عناصر مترقی در حاکمیت حفظ کرده است و کماکان وظیفه مبنی و مردمی و انقلابی خود میداند، اقدامات غلط، مخدوش و منفی جمهوری اسلامی ایران از موضعی غیر خصمانه و غیر ویرانگرانه انتقاد نماید و با پیشنهادات و طرحهای سازنده در همه شئون زندگی کشور راه را از بیراهه تکلیک و نشان بدهد.

امکان دوم: پیدایش فضای نسبتا مساعدتر در نتیجه چیره شدن نیروهای انقلابی بر ضد انقلاب و دیگر نیروهای مخالف انقلاب.

ولی در هر حال جریانات سیاسی ارتجاعی که با مارکسیسم و سوسیالیسم و با همه نیروهای انقلابی و دمکراتیک، ام از هر بینشی که داشته باشند، دستبازند، حتی در صورت موفقیت نخواهند توانست مسائل واقعی جامعه ما را حل کنند و این خود نمی تواند به رشد باز هم نیرومندتر مارکسیسم، که مظهر یک روند نو و غلبه ناپذیر

در تاریخ بشری است، کمک نکند. انقلاب جامعه ما را بیدارتر و خواسته های اجتماعی زمینکنشانه که حتی برخی از آنها در قانون اساسی بازتاب یافته، بشکل برجسته تری مطرح ساخته است و نمی توان تنها با تکیه زور و اختناق این واقعیت را از عرصه تاریخ بیرون راند.

جهان امروز، علی رغم هر نعرهای که ریگانها سر دهند، بیش از پیش از آموزش علمی و انقلابی کارل مارکس فیض می گیرد و در پرتوی این آموزش راه غلبه بر نیروهای جنگ و محافظه کاری رازوف - ترس و همه جانبه تر در می یابد. مساعطمینان داریم که آموزش مارکس، که بگفته لنین، سبب حقانیتشود نیرومند است، در آینده، باز هم بیش از گذشته، به اهرم تحول انقلابی تاریخ بشر مبدل خواهد شد. آموزش مارکسیستی آموزش خوش بینی تاریخی است. این آموزش از آزمایشات یکی از پر حادثه ترین و پویاترین قرون در تاریخ بشری نظر به تکامل جهشی علم و فن، تجمع عظیم تضاد های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و همچنین مبارزه بی مانند برای صلح و سوسیالیسم، علیه جنگ، استعمار و استثمار توانمندتر از هر وقت دیگری پدید آمده است.

امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا درست بحاضر همین توان تاریخی و جهانشمول ایده های مارکس و لنین در مبارزه علیه جنگ طلبان، استثمارگران و استثمارگران در جهان و نه بخاطر به اصطلاح "ضعف" و یا "پیری" علیه آن جنگ صلیبی راه انداخته است. ایدئولوژی بورژوازی در صاف با این تنها جهان بینی علمی خود را ناتوان و بی چاره نشان داده است.

جهان بینی که در آثار لنین، بزرگترین مارکسیست دوران ما، در ساختمان سوسیالیسم واقعا موجود و مبارزات احزاب انقلابی طبقه کارگر در راه استقلال، دمکراسی و سوسیالیسم نهفته است، توانائی خود را برای ایجاد جهانی مادی از جنگ، جنگ خانمانسوز هسته ای، ستم ملی و طبقاتی نشان داده است.

امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا که با بحرانهای عمیق سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مواجه است، ماهیت تجاوزکارانه خود را حفظ کرده و نجات خود را در مقابله، ایجاد بلوکهای نظامی و پایگاههای جدید، در دامن زدن به صابقه تسلیحاتی و تلاش برای کسب برتری نظامی - هسته ای، در تشدید تشنجات و بالاخره در مداخله آشکار در امور داخلی دیگر خلقها و کشورها میجوید. امپریالیسم سیاست ماجراجویانه تدارک جنگ هسته ای را که مرگ هسته ای تمام بشریت را پسه دنبال خواهد داشت، دنبال میکند. تمام این حوادث در دورانی رخ میدهد که تناسیب نیروها از هر نظر بسود نیروهای صلح و سوسیالیسم، جنبشهای رهائی بخش خلقمادر تمام جهان تغییر یافته است. صلح، استقلال، دمکراسی و عدالت اجتماعی محتوای ایده های مارکس و لنین بوده و از اتحاد ارگانیک و تفکیک ناپذیری برخوردارند.

بقیه در صفحه ۲۰

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران به مناسبت اول ماه مه

بقیه از صفحه ۴

آن ایستاده اند. و این حزب توده ایران است که با تمام وجود خود در صفا و دل از اجرای قانون اساسی دفاع می کند و هیچ حزب و سازمان دیگری در دفاع از قانون اساسی چنین پیگیر نیست.

کارگران و زحمتکشان ایران

اینک شما برای پنجمین بار اول ماه مه را در فضای پس از پیروزی انقلاب جشن می گیرید. شما در این مدت امکان داشته اید که تجربه بیابان وزید و عطرکرد طبقات اجتماعی و سازمانهای سیاسی را به محک بزنید. شما در این مدت چهره کریه سرمایه داران و ملاکین بزرگ را به چشم دید ماید و مشاهده کرد ماید که نظام سرمایه داری نظامی که از رژیم شاه باقی مانده، چه نظام بیرحم و غارتگری است. در این چهار سال بهای کالاها ی مورد نیاز مردم دو تا چهار برابر و گاه بیشتر شده و سرمایه داری ایران دست به چنان غارتی زده که در کمتر کشوری و کمتر زمانی سابقه دارد.

شما در این مدت قطعاً دریافته اید که این غارتگری از روی بدخواهی و بد اخلاقی یک یا چند نفر نیست، که بتوان آنرا با موعظه یا جریمه بر طرف کرد، سرشت نظام سرمایه داری همین است. پیش از انقلاب، شاه و هوایداد می گفتند که ما در ایران گرانی نداریم و گران فروشی داریم. شما آن روز بحق باور نکردید. شما میدانستید که سخن بر سر یک یا دو گران فروشی نیست، مسئله با جریمه و شلاق حل شود. امروز، مدافعین سرمایه داری غارتگر گمان کرد ماید که فهم شما کور شده و شما به همان حرفهای زمان سابق باور خواهید کرده پنهان باز هم بجای محکوم کردن نظام باقی مانده از زمان شاه و حل اساسی مسئله، بجای ایجاد نظام اقتصادی انقلابی و مبتنی بر عدالت اجتماعی در حرف چند نفر گران فروش را متهم می کنند، ولی در عمل میدان وسیعتری برای غارت آنها فراهم می آورند.

کارگران و زحمتکشان ایران

حزب توده ایران، حزب مدافع منافع شما زحمتکشان، معتقد است که عدالت اجتماعی جز با تغییر نظام اقتصادی، در جهت گسترش اقتصاد مردمی و محدود کردن سرمایه جزی با تقسیم اراضی میان دهقانان و برانداختن مالکیت های بزرگ، جز با تدوین و اجرای قانون کار مترقی و بیمه های اجتماعی گسترده، جز با ملی کردن واقعی بازرگانی خارجی و ایجاد شبکه توزیع ملی و تعاونی زیر کنترل زحمتکشان، جز با گسترش سرمایه گذاری دولتی در صنایع و افزایش سریع تولید، مقدور نیست. اینهمه فشار به حزب ما چه در زمان شاه و چه امروز بخاطر داشتن و تبلیغ این معتقدات انقلابی و مردمی و پیکار خستگی ناپذیر برای عطفی کردن آنهاست. از حزب خود دفاع کنید، در صفوف آن متشکل شوید، از سزکوب آن نهراسید و ریشه های حیزب را در صفوف خود آبپاری کنید.

کارگران و زحمتکشان ایران

بیائید و یکبار بدقت حوادث انقلاب و سیر تحول پس از انقلاب را بررسی و جمع بندی کنید. شما خود میدانید و امام خمینی بارها تأیید کرده که این انقلاب با خون شما به ثمر رسید. اما میوه انقلاب را سرمایه داران چیدند. آنها بودند که نخستین دولت پس از انقلاب را به نام دولت موقت تشکیل دادند و آنها هستند که با انواع توطئه ها جلوی پیشرفت انقلاب را می گیرند تا جائیکه امروز حتی قانون کار شاهنشاهی هم لغو شده و شما کارگران موضوع اجاره ترار گرفتاید و بیمه اجتماعی شما موقوف به خمس و زکوات است. یک لحظه فکر کنید و از خود بپرسید چرا؟ اگر بدقت کنید پاسخ را خواهید یافت: سرمایه داران و ملاکین متشکلند و شما متفرق، تصادفی نیست که شاه جلوی تشکیل شما را می گرفت و تصادفی نیست که امروز راست ترین محافظان افراطی قبیل از همه به شما راه و سند یکاها ای کارگری و به حزب کارگری - حزب توده ایران - هجوم می برند و به تفرقه افکنی در صفوف انقلاب مشغولند.

عناصر افراطی راست گرا و دشمنان سوگند خورده انقلاب در این چهار سال هیچ فرصتی را برای شکستن صف انقلاب، برای دلسرد کردن توده مردم و جدا کردن آنها از امام و انقلاب، از انداختن نیروها و سازمانهای انقلابی به جان هم، از دست نداد ماید. بر اثر خرابکاری های آنها و مفاشات و کج فهمی های برخی از پیروان صدیق خط امام، امروز نیروهای انقلاب بیساز همیسه پراکنده ماید. تا به حدی که توان کار بست رهنمود های امام را نیز ندارند و مدافعان سرمایه و راست گرایان افراطی موفق می شوند پیامها و رهنمود های امام را نادیده بگیرند و با بسود خود تفسیر و بزبان مردم اجرا کنند.

باید متحد و متشکل شد، باید یکبار دیگر و زیر شعارهای روشنتر اجتماعی، صف واحد انقلابی تشکیل داد و به دفاع از دستاوردهای انقلاب و قانون اساسی ناشی از آن برخاست.

حزب توده ایران در این راه می رزمند و خواستار آنست که همه کارگران و زحمتکشان، همه نیروهای انقلابی و فادار به خط اصیل انقلاب و امام، از هر عقیده و مسلکی متحد شوند. هر که مسلک و عقیده خود را بهانه تفرقه افکنی قرار دهد باید در صداقت و یا آگاهی او تردید کرد.

بر کارگران و زحمتکشان آگاه است که در اول ماه مه، روز همبستگی جهانی کارگران اندیشه اتحاد، صرف نظر از عقاید مذهبی و مسلکی را به میان وسیع ترین قشرهای زحمتکشان ببرند و به آنها نشان دهند که اول ماه مه درست به ایسن دلیل و یا این نیت ایجاد شده است که ضرورت و امکان اتحاد همه ستکشان جهان را صرف نظر از ملیت، نژاد، مذهب، آید نولوژی و عقیده سیاسی و وابستگی سازمانی اثبات کند.

در این روز بزرگ، روز شکوهمند همبستگی جهانی زحمتکشان، نظری به دنیا بیافکنید! برادران هم رزم شما در سرتاسر جهان در صفوف متحد و با پرچی افراشته قدرت بی پایان خود را سان می بینند. در این صفوف میلیونی هیچ کس از عقیده و نژاد و ملیت رفیق هم رزم خود بهانه نمی گیرد. همه آنها تیکه در این روز جشن پیکار جویانه دارند. در یک چیز مشترکند: در مطالبه استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی، در نبرد برای صلح و علیه امپریالیسم غارتگر. این اشتراک منافع اصلی، تفاوت های کوچک را کنار می زند و به زحمتکشان می آموزد که اختلاف عقیده و سلیقه خود را وسیله تفرقه قرار ندهند و از طریق بحث سالم و برادرانه، با حوصله و شکیبایی به حرف یکدیگر گوش کنند. بالاخره حقیقت که هزار تا نیست. حقیقت یکی است و آنرا نه با چماق و تکفیر و تفرقه افکنی، بلکه با برخورد سالم برادرانه و صادقانه می توان یافت.

کارگران و زحمتکشان ایران

ما امسال اول ماه مه را در شرایط دشواری برگزار می کنیم. امکان تظاهرات وسیع شادمانه از کارگران و زحمتکشان گرفته شده و عده های می کوشند این روز بزرگ را با تظاهر عیسوس و کنترل شده و با شعارهای ضد کارگری و انحرافی بنوعی سپری کنند.

برغم این دشمنان طبقه کارگر و عناصر ناآگاه - بکوشید تا اول ماه مه را هر چه عمیق تر و بی شکوهرت برگزار کنید و در آن هم شعار اصلی اول ماه مه، یعنی همبستگی جهانی و طبقاتی زحمتکشان، هم سه شعار اصلی انقلاب استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی و هم شعارهای ویژه خود را درباره قانون کار، بیمه های اجتماعی، مسکن، دستمزد و تعاونی های کارگری مطرح کنید و اجرای اصلاحات ارضی انقلابی را طلب نمایید. امسال، رفیق نورالدین کیانپوری دبیر اول و گروهی از رهبران حزب توده ایران و صد ها توده های دیگر، اول ماه مه را در زندان، در سلول های انفرادی جشن می گیرند. آنها بخاطر دفاع از منافع شما بخاطر نبرد برای گسترش و تعمیق انقلاب و بیمه تحریک مدافعان سرمایه و خادمین امپریالیسم به زندان افتاد ماید. در مراسم اول ماه مه خود، هر جا که هستید از این فرزندان خلف طبقه کنارگرو و مدافعان از جان گذشته انقلاب یاد کنید و بخواهید که آنان بدون قید و شرط از زندان آزاد شوند و با نیرو و دانش عمیق انقلابی خود همچنان به زحمتکشان ایران خدمت کنند و در صف اول قرار گیرند.

برافراشته باد در صف اول ماه مه، روز همبستگی کارگران و زحمتکشان سراسر جهان! برقرار باد اتحاد همه نیروهای انقلابی و فادار به استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی!

کمیته مرکزی حزب توده ایران
۲۰ فروردین ماه ۱۳۶۲

از ترس پیشرفت انقلاب در دام امپریالیسم آمریکا میفتید

آقای بهزاد نبوی هفته گذشته پس از بازدید یک هیئت سی و چند نفری سوئدی از ایران در راس یک هیئت ۱۸ نفری به جهت مذاکره با مقامات مختلف اقتصادی و صنعتی ترکیه مسازم آنکارا شد.

آقای نبوی پیش از ترک تهران در گفتگویی اظهار داشت: در سال جاری حجم مبادلات ما با ترکیه بیش از میزان پیش بینی شده بوده است. وقتی این خبر را در کنار خبر بسط مناسبات اقتصادی با آمریکا، اروپای غربی، ژاپن و کشور های وابسته دیگر می گذاریم، عیان می گردد که مسئولان جمهوری اسلامی، بنحو خطرناکی از ترس " شرقی شدن"، "روز بروز بیشتر به" غربی ماندن و غربی تر شدن" نظام اقتصادی - اجتماعی جمهوری اسلامی تن می دهند، روز بروز کمتر به دام امپریالیسم آمریکا توجه می کنند.

در چنین جوی که این همه دم از "استقلال" زده می شود، هیچ توجهی به این توطئه دامنه دار امپریالیسم آمریکا نمی کنند که: " آمریکا به طرح سیاستی احتیاج دارد که استقلال و ثبات همه کشورهای منطقه از جمله ایران را تضمین کند (۱) ... آمریکا بایستی مشوق اروپای غربی، ژاپن و کشورهای مسئول اسلامی برای بهبود روابطش با ایران باشد." (ادوارد کندی - "صدای آمریکا" - به نقل از نیویورک تایمز)

همانگونه که روزنامه کیهان بد رستی نوشته است، معنی این سخن چیزی نیست جز اینکه: " آمریکا به طرح سیاستی احتیاج دارد که وابستگی همه کشورهای منطقه، از جمله ایران را بخود تضمین کند ... (بنا بر این) آمریکا بایند مشوق اروپای غربی، ژاپن و کشورهای وابسته بظاهر اسلامی برای تامین این وابستگی می باشد." (۱)

با در نظر گرفتن این توطئه دامنه دار و حق نشینی مدام و بی توقف جمهوری اسلامی ایران در مقابل آن، دم زدن از "استقلال" و "خود-کفایی" عبارت پر دازی بی محتوایی بیش از کارش نمی آید. این چه استقلالی است که روابط اقتصاد با کشورهای نظیر پاکستان، ترکیه و غیره ... که خود تا مغز استخوان وابسته می باشند، مرتباً توسعه می یابد؟

دولت با دست بسته نمی تواند به محرومین رسیدگی کند

آقای موسوی نخست وزیر در ملاقات با

حکام شرع و اعضای هیئتهای واگذاری زمین مسخران مسوی پیرامون لوایح بنیادی، سیستم توزیع، تعاونیها و بخش خصوصی ایراد کرد. وی از جمله درباره "تجارت خارجی گفت: " اگر یادتان باشد آنوقت که قانون اساسی نوشته شد تجارت خارجی چیز مشخصی بود که باید ملی یا دولتی شود. حالا لایحه این کار تنظیم شده و به مجلس رفته و دچار مشکل شده است."

نخست وزیر در ادامه اظهاراتش با اشاره به "ابهام اذیت کننده" که در مورد مسئله تجارت خارجی حاکم است می گوید:

"مسئله ای نیست که الان دولت بنشیند تصمیم بگیرد و فردا مسئله حل شود. دولست تصمیم خود را گرفته و لایحه خود را داده

روزنامه اطلاعات در ۲۷ فروردین مینویسد: قانون اساسی که خوبنهای خون دهمسها هزار شهید و معلول گرانقدر انقلاب اسلامی است چهار چوب های دقیق و اساسی مسائل اقتصادی را که در برتوان "تامین استقلال - اقتصادی جامعه و ریشه کن کردن فقر و محرومیت پیش بینی شده است را ترسیم نوده و جسی هیچگونه حرفی باقی نگذاشته اما معالاف هنوز مرکب قانون اساسی که با خون سرخ همه شهدای انقلاب اسلامی و خصوصاً شهدای عزیز و گرانقدری همچون شهید مظلوم بهشتی، شهید مدنی، شهید صدوقی و ... نوشته شده خشک نشده است و هنوز صدای امام در گوشها طنین افکن است که فرمودند "من اشکال شرعی در این قانون نمی بینم" که ناگهان در گوشه و کنار شاهد زمره هائی مبنی بر زیر سؤال قرار دادن مشروطیت قانون اساسی هستیم. زمره هائی که گاه مستقیم و گاه غیر مستقیم اصالت شرعی این قانون مقدس که بدست خبرگان و برگزیدگان امت و فقهای ارجمندی همچون فقیه مجاهد آیت الله



العظمی منتظری و حضرت آیات مشکینی، بهشتی صدوقی، مدتی و فرزانهانی چون با هنر و خامنه ای و رفسنجانی نوشته شده است را به زیر ذره بین ابهام می برند.

اگر قانون اساسی به صراحت از دولتی شدن بازرگانی خارجی سخن می گوید عده ای می گویند صلاح نیست تجارت، دولتی شود. اگر قانون اساسی میخواهد تا از تداول و تمرکز ثروت در دست عده معدودی جلوگیری کند گروهی بنام دفاع از آزادی و حرمت مالکیت جلو مبارزه با تداول و تمرکز سرمایه در دست عده ای معدود را می گیرند.

اگر قانون اساسی نظام اقتصادی جمهوری اسلامی را به سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی تقسیم می کند افرادی تنها سنگ بخش خصوصی را به سینه می زنند و به گفته برادر مرتضی الویری نماینده محترم مجلس "قانون اساسی را زیر سؤال برده و می گویند صنایع مشمول بند های الف، ب و ج قانون حفاظت و تولید صنایع به بخش خصوصی برگردد و حتی می گویند افرادی نظیر القانیان ثابت پاسال از نظر سیاسی الوده بود ماند و از

ولی مسئله حل نشده است." آقای موسوی همچنین در مورد سایر مسایل حاد جامعه از قبیل اراضی مزروعی، قانون کار، صنایع ملی شده، توزیع، حدود فعالیت بخش خصوصی، تعاونی ها و ... تصریح می کند که در تمامی این عرصه ها ابهام حاکم است و حل این ابهام نیز در اختیار دولت نیست.

روزنامه اطلاعات در همین مورد می نویسد: هما - نظیر که می بینیم مهندس موسوی به عنوان رئیس دولت جمهوری اسلامی از مشکل بزرگی رنج می برد که در آغاز پدان اشاره کردیم و آن اینکه برای تحقق اهداف والای جمهوری اسلامی جهت برقراری عدل و قسط در جامعه طاقت زده مان ابزار و وسائل لازم را در اختیار نداریم. آری، در همه عرصه ها قدرت تصمیم گیری از ارگانهای جمهوری سلب شده است، چرا که در همه عرصه ها محافظکاران راستگرا، نفوذی های حجتیه، ساواک، فراماسونری، راتاری هاء، لاینز و دهنها "کلوپ" و "انجمن" دیگر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را بغرا - موشی سپرده و عملاً مشروعیت آنرا زیر علامت سؤال برد ماند.

دو هفته‌ای که گذشت

بقیه از صفحه ۱۸

نظر مالکیت نمی‌توانیم به آنها اشکال بگیریم پس مالکیت اینها باید سر جای خودش باشد و به آنها برگشت داده شود. این جریانات و افراد اگر قانون اساسی بر ضرورت تشکیل شوراها در سراسر کشور و در واحد های تولیدی و ... تصریح کرده آنها شعار کمونیستها دانسته و عملاً جلوسو اجرای قانون را سد می‌نمایند. . . .

" اگر قانون اساسی در جامعه دقیقاً اجر شود. اگر اصول قانون اساسی در زمینه های اقتصادی دقیقاً اجرا شود، بیشک قانون اساسی یکی از دقیق ترین قوانین است که میتواند مشکل فقر را بطور اساسی در جامعه ریشه کن کند .

روزنامه اطلاعات ادامه می‌دهد: " اگر قرار است به ظلم و جورخانان در روستاها پایان داده شود و روستاهای ما دوباره بتوانند پرتلاش جهت نیل به خود کفائی کشاورزی حرکت کنند می‌بایستی زمینهای بناحق غصب شده! از دست خوانین و ملاکین گرفته شده و به صاحبان واقعی آنها برگردد تا آنها علاوه بر بهره وری لازم از حاصل تلاش و کار خویش بر مبنای مساعدت یا دولت اسلامی متناسب با برنامه ریزی های استقلال اقتصادی جمهوری اسلامی کشت نمایند. . . .

" اگر قرار است جلوی غارت بیحد و حصر و عیان گسیخته توده مردم توسط سرمایه داران و سودجویان بزرگ گرفته شود جامعه اسلامی ازدحام بصرف و افتادن در منجلاب تجمل پرستی و لوکس خواهی رهایی یابد باید دست دولت در کنترل تجارت خارجی باز باشد .

" اگر قرار است که کارگران به دستمزد واقعی خود برسند و دوران رنج افزا و طاقت فرسای استثمار پایان گیرد و کارگران طعم عدالت اسلامی را بچشند باید قانون کار در خورشان جمهوری اسلامی و مدافع حقوق کارگران وجود داشته باشد و دولت در روابط کارگسر و کارفرما حق نظارت و در مواقع ضروری حق دخالت داشته باشد .

" اگر قرار است به عمر استثمار فرد از فرد پایان داده شود، اگر قرار است در جامعه اسلامی جلوتد اول و تمرکز ثروت گرفته شود اگر قسب و سرکاز کردن به هرکس که میخواهد کار کند و قدرت کار کردن دارد ابزار کار داده شود بایستد تعاونیها در عرصه های مختلف صنعتی و تجاری گسترش یابند و انحصار بخش خصوصی شکسته شود .

دهقانان نگران سرنوشت انقلابند

پس از رد لایحه اصلاحات ارضی از سوی شورای نگهبان (در تاریخ ۲۶ دی ماه ۱۳۶۱) دهقانان زحمتکش به حق نگران سرنوشت خویش

و انقلاب میباشند و با ارسال نامهها و طومارها به مقامات مسئول کشوری و مبارزات خود پایسن منظور ادامه میدهند هفتان علی آباد قدسیری در نامه خود به حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی مینویسند:

" ماد هفتان روستای علی آباد سرتپ، مشهور به علی آباد قدیری و توابع و روستاهای حاجی آباد فلاح و حجت آباد فیهمی و خضر آباد و عنبر آباد جیرفت سالهاست که زیر یوغ خانها و فئودالها زندگی مشقت باری را گذرانده ایم. پس از پیروزی انقلاب اسلامی این امید بدل ما روستائیان خانزده راه یافت که روزهای تیره بختی و سیاه روزمان به پایان رسیده و دارای آب و زمین میشویم و از جنگال مالکان و فئودالها رهایی می‌یابیم. همچنین دست واسطه‌ها، دلالان، سلف - خرها و محترکین که هم اکنون نیز دسترنج مسلمان زحمتکشان را از راههای مختلف به جیب خسود می‌زنند کوتاه خواهد شد. بنابراین ما روستائیان این روستاها ضمن پشتیبانی از ولایت فقیه و پیروی ان راستین امام خواهان اجرای اصلاحات ارضی بنیادی و دیگر قوانین اسلامی بنفع کشاورزان می‌باشیم .

امضا و اثر انگشت تعداد زیادی از کشاورزان فئودالها بطور متشکل و سازمان یافته، به تبلیغات علیه نهادهای انقلاب اسلامی برخاسته‌اند

آقای خسرو حاج مرادخانی یکی از اعضای هیئت ۷ نفره واگذاری زمین گنبد و گرگان در گزارش فعالیتهای هیئتهای واگذاری زمین در گنبد مینویسد: قانونی که توسط مجلس شوروی اسلامی تصویب شد، با وجود تفاوتی که با قانون مصوب شورای انقلاب داشت، ولی پنهوی بود که میتوانست بسیاری از مشکلات کشاورزی و بیکاری را حل کند. البته نباید از این نکته غافل ماند که اشکالاتی نیز بر طرح وارد بود مثلاً نظیر خرید و فروش اراضی مزروعی جهت واحد های مسکونی و تبدیل اینگونه اراضی به باغ که پس از پیروزی انقلاب بطور فزاینده ای جهت فرار از واگذاری اراضی شان توسط فئودالها از خدا بی‌خبر صورت گرفته و میگردد، مورد توجه واقع نشد و حتی برای جلوگیری از اینگونه کارها در آینده نیز، پیشنهادی نشده بود، که انشاء الله پس از اصلاحاتی که توسط مجلس شورای اسلامی صورت خواهد گرفت، قانونی کاملاً جامع جهت اجرا ارائه شود .

وی در مورد کل اراضی مزروعی منطقه گنبد و گرگان و میزان اراضی فئودالها از این اراضی، گفت: در منطقه گنبد و گرگان حدود ۱۵۰ هزار هکتار اراضی مزروعی وجود دارد که نصف آن متعلق فئودالهاست. قابل توجه است که زمین اراضی توسط رژیم شاه خائن از مردم مستضعف و غصب و به خانها و مالکان وابسته به دربار، بطور رایگان واگذار شد و با قیمت های ناچیز، بفروش رسید، و به صراحت میتوان گفت که، اراضی

فئودالها کلاً غصبی بوده و بهمین علت است که این اراضی بلااستثناء دارای معارض است. عضو هیئت واگذاری زمین گنبد و گرگان سپس در مورد تعداد خانوارهای این زمین در منطقه خانوارهایی که با اجرای قانون واگذاری اراضی می‌تواند صاحب زمین شوند، اظهار داشت: در شهرستان گنبد و گرگان، با بخشهای تابعه آن، حدود ۹۰ هزار خانوار بین زمین حدود ۳ هکتار زمین خواهد رسید که هزار هکتار زمین را تحت کشت دارند، و این در حالی است که کل اراضی منطقه را مالک هستند (و بقیه زمینها در اختیار خرده مالکان است) با محاسبات انجام شده، مشخص شد که، چنانچه حقیق مالک را تا چهار برابر عرف محلر کنار بگذاریم، از اراضی باقی مانده به هر خانوار بی‌زمین حدود ۳ هکتار زمین خواهد رسید که به این وسیله ۹۰ هزار خانوار از سرگردانی و آوارگی در شهرها، در جستجوی کار، نجات یافته و اشتغال می‌یابند .

وی در مورد مشکلاتی که هیئتهای واگذاری زمین با آن مواجه هستند، گفت: مشکل عمده هیئت، بلا تکلیفی و عدم وجود قانونی برای حل مشکل زمین است. با توجه به اینکه در استان مازندران اراضی موات وجود ندارد و یا در نظر گرفتن توقف اجرای بند های " جیم " و " دال " سابق، فقط اراضی مشمول بند (ب) جهت واگذاری باقی میماند که با زیر سؤال پسردن اراضی مشمول این بند، عملاً کاری برای هیئتهای باقی نمی‌ماند .

عضو هیئت واگذاری زمین گنبد و گرگان، در رابطه با مشکل فئودالها در منطقه و کارشناسی فئودالها از آغاز انقلاب اسلامی تاکنون، گفت: فئودالها در منطقه ما، در چهره های گوناگونی ظهور پیدا کرده است. از جمله استفاده از نقاب مذهب، و ایستگی مستقیم به رژیم سرنگون شده پیشین (بیشتر افسران بازنشسته)، و یا مزدوری نزد یک ایادی دربار و پهلوی خائن. در هر حال تمامی آنها آنچنان جنایاتی مرتکب شده‌اند، که این جنایات ماهیت پلید آنها را برای مردم پخوبی آشکار کرده است .

فئودالها پس از گذشت ۴ سال از پیروزی انقلاب اسلامی، بدلیل عدم برخورد انقلابی و بنیادی با آنها، می‌پندارند که وارثان، مال و ناموس زارعین هستند و در نهایت، باز هیچکامیت آنها برقرار خواهد شد. به همین دلیل به پیوستار متشکل و سازمان یافته به تبلیغات علیه نهاد های انقلاب اسلامی با مارکهای گوناگون پرداخته و به تضعیف روحیه مردم در سطح روستاها برخاسته‌اند، تا بتوانند زمینه تسلط مجدد و استثماراری خود را فراهم سازند .

وی تاکید کرد: باید جو سازی‌ها، ایجاد جنگ تحمیلی، ترور شخصیت ها، احتکار و گرانفروشی، تمامی توطئه‌هایی را که باعث عدم اجرای قوانین انقلابی و اضمیل اسلامی در کشورمان شده است را بهم مربوط دانست. زیرا تمامی این حرکتها در جهت حمایت از مستکبرین و مایوس کردن مستضعفین از انقلاب اسلامی و در نهایت تضعیف نظام جمهوری اسلامی صورت میگیرد .



صلح هدف سوسیالیسم است

جلسه بزرگداشت ۱۱۳ مین سالگرد تولد لنین در مسکو با حضور رهبران حزبی و دولتی و نیز نمایندگان زحمتکشان، دانشمندان و دیگر اقشار اجتماعی اتحاد شوروی و میهمانان خارجی برگزار شد. در این جلسه میخائیل گورباچف عضو هیئت سیاسی و دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی سخنرانی کرد.

وی در سخنرانی خود اظهار داشت: با وجود اینکه لنین و مارکس در دو زمان مختلف زندگی میکردند، اما تاریخ نامهای آنان را برای همیشه به هم پیوند داده است. هدف مشترکی هر دو را متحد ساخته است: رهائی طبقه کارگر.

جهان قرن بیستم تغییر بسیاری یافته و سوسیالیسم برای یک سوم مردم جهان واقعیت عینی است. وحدت حزب و پیوند خلل ناپذیر آن با مردم اساس پیروزیهای بازم بیشتری را تشکیل میدهد.

وی گفت: اتحاد شوروی خواهان ایجاد روابطی مغفول در جهان است و سیاست جلوگیری از جنگ را دنبال میکند و بدین طریق به لنین و استراتژی صلح ری و همچنین اصول لنینی سیاست خارجی سوسیالیستی وفادار میماند.

میخائیل گورباچف اظهار داشت که علت اصلی وخامت اوضاع بین المللی را باید در طرز برخورد ماجراجویانه تجاوزکارترین محافل امپریالیستی به مسئله عدل عصر ما - یعنی مسئله جنگ و صلح جستجو کرد. نظام سرمایه داری با بحران سختی مواجه است. این بحران اقتصاد، سیاست، زندگی مادی و معنوی جامعه بورژوازی را در بر گرفته است. تجاوزکارترین محافل امپریالیستی - بویژه امپریالیسم آمریکا میکوشند از طریق دامن زدن به مسابقه تسلیحاتی و تهدید نظامی از این بحران خارج شوند و با مبارزه جوشی تاریخی سوسیالیسم مقابله کنند.

در اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی

پنجمین سالگرد انقلاب ثور (اردیبهشت) در افغانستان

در جشنی که بمناسبت بزرگداشت پنجمین سالگرد انقلاب ثور در کابل پایتخت افغانستان برپا شد رفیق بیرک کارمل بررسی کوتاهی از دستاوردهای انقلاب، طی این مدت کوتاه بعمل آورد. او گفت سقوط رژیم سلطنتی در هفتم اردیبهشت ۱۳۵۸ یک رویداد تاریخی است که راه مردم افغانستان را بسوی پیشرفت توسعه، خوشبختی و درگرونیهای بنیادی گشود.

تجربیات پنجسال گذشته نشان داد که حزب دمکراتیک خلق افغانستان قادر است خلیق و جامعه را رهبری کند. علیرغم شرایط بی نهایت دشوار و تعدادی اشتباهات ذهنی در مراحل اولیه، حزب نشان داد که میتواند پیروزی نهائی انقلاب را تأمین کند. حزب از نظر سیاسی، ایدئولوژیکی و سازمانی نیرومند گردیده است. کمیته مرکزی بزودی تدابیر تازه ای را برای تحکیم بازم بیشتر وحدت سازمانی حزب اعلام خواهد کرد.

رفیق کارمل گفت که مبارزه با ضدانقلاب برای اولین یک زندگی مسالمت آمیز بطور همزمان با مبارزه برای حل مسائل مبرم اقتصادی صورت میگیرد. تکامل بعدی دستاوردهای انقلاب

هیچ نیروی وجود ندارد که خواهان جنگ، مصلحت تسلیحاتی و یا تشدید وخامت اوضاع بین المللی باشد. صلح و تنش زدائی، امنیت عمومی و همکاری عادلانه و با نفع متقابل و همچنین حق غیر قابل انکار ترقی ملی و اجتماعی، تعیین سرنوشت خلقها جزو اهداف سوسیالیسم اند.

از اجلاس شورای ملی فلسطین و پیشنهادات صلح اتحاد شوروی پشتیبانی کردند. آنها همچنین اعلام کردند که در نظر دارند روابط سیاسی میان خود را تحکیم کنند.

کمک مالی به حزب توده ایران، یک وظیفه انقلابی است!

رفقای هوادار حزب توده ایران در گوئیتکن

هزینه چاپ شماره ۳۸ "راه توده" را تأمین کردند

رفیق ۱۸۱۸ سوئد ۲۰۰ مارك جلال الف، بارسلن ۵۰۰۰ پرتابن

دیدار دوستانه

یاسر عرفات رئیس کمیته اجرائی سازمان آزادبختی فلسطین و مدیر ویلنر، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اسرائیل باهم دیدار و گفتگو کردند.

طرفین در این گفتگوها اعلام کردند که خواهان حل عادلانه مسئله فلسطین و برقراری صلح پایدار در منطقه اند. آنها تأکید کردند که این صلح باید بر مبنای پایان اشغال سرزمینهای عربی و همچنین تحقق حقوق ملی خلق فلسطین، از جمله حق تعیین سرنوشت و ایجاد دولت مستقل فلسطینی برقرار گردد. هر دو طرف از مصوبات شانزدهمین

کنفرانس علمی "کارل مارکس و زمان ما"

بقیه از صفحه ۱۶

محتزای بشرد دوستانه، ترقیخواهانه و رهائی بخش این ایده های دوران ساز است که قلب میلیونها زحمتکش، انسانهای صلح طلب و ترقیخواه را تسخیر کرده است. این ایده ها با توان مادی و معنوی جامعه کشورهای سوسیالیستی در درجه اول اتحاد شوروی پیوند خورده است، این ایده ها به راهنمای دوران پر حادثه ما تبدیل شده و آیند های آزاد و سعادت مند را برای بشریت تضمین میکنند.

حزب ما با الهام از روح خلاق و پویا، انقلابی و انتقادی مارکسیسم، که واقعیت را اعم

راه توده

RAHE TUDEH
No. 39
Friday, 29 April 83

Address: **Winfried Schwarz**
Markgrafenstr. 13
6000 Frankfurt 90

Price:	England 30	P.
West-Germany	Belgium 22	Fr.
	Italy 600	L.
	France 3	Fr.
	U.S.A. 40	Cts
	Austria 8	Sch.
	Sweden 3	Skr.

از طبیعی یا اجتماعی، در مشخصات عینی آن مورد بررسی قرار میدهد، تمام نیروی خود را بکار خواهد برد تا وظیفه خویش را به ثوابه گذردان پیشاهنگ طبقه کارگر ایران، ایفا نماید. حزب پایه همبستگی بین المللی همه نیروهای ضد امپریالیستی جهان در این نبرد مقدس تکیه دارد.

حزب ما در گذشته به پرچم ظفر منبذ اندیشه مارکس و انگلس و لنین، در دشوارترین شرایط تاریخی جهان و ایران، وفیادار بوده و در آینده نیز وفادار خواهد بود.

— زنده باد مارکسیسم - لنینیسم —

از توجه شما سپاسگزارم